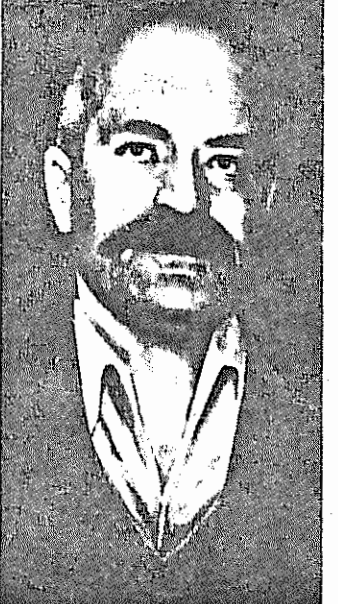


مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

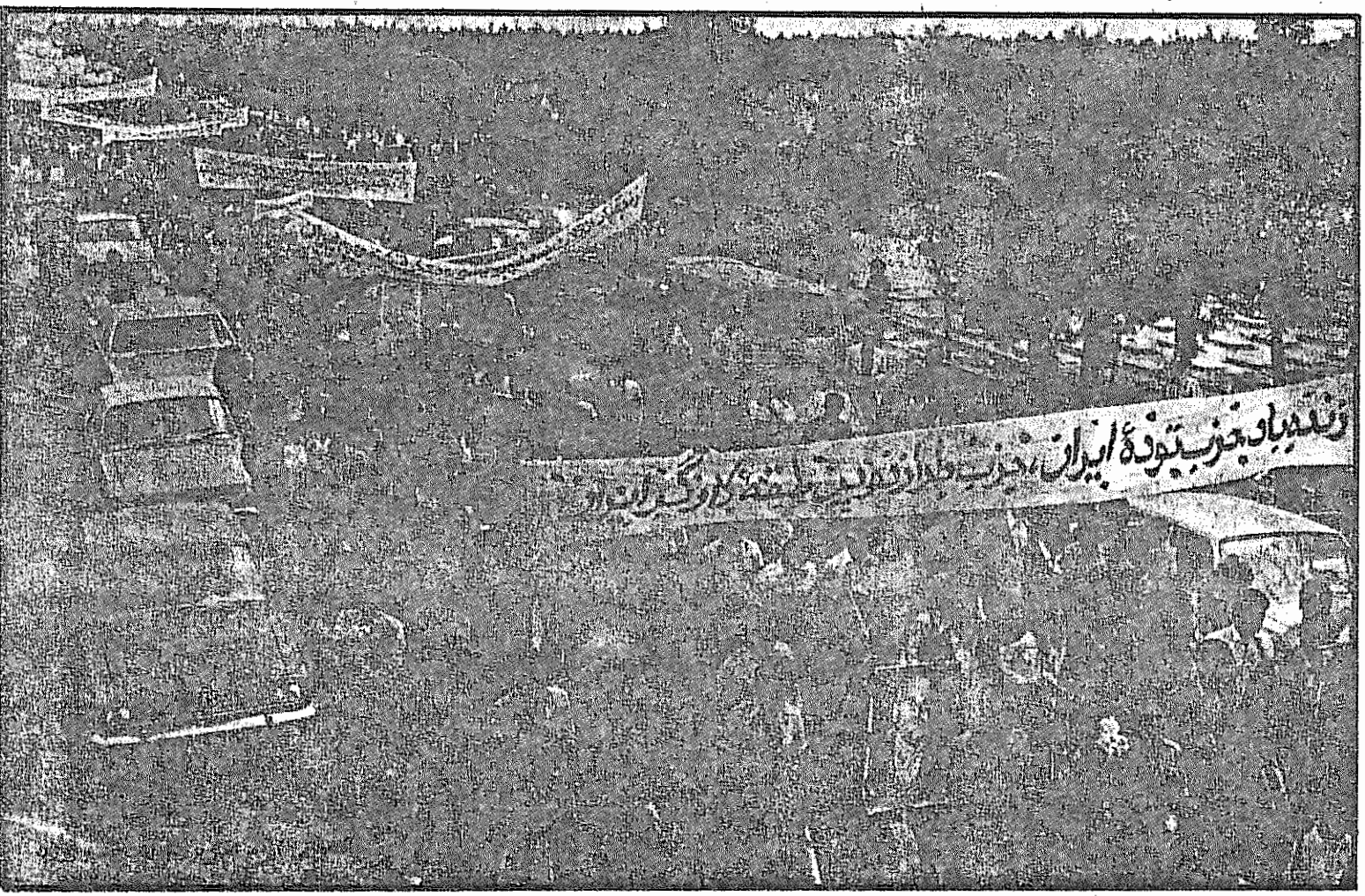
دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۳، دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸
تک شماره پانزده ریال



در گردهم آئی پرشکوه و شور انگیز بر مزار خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، دهها هزار نفر یکصدا گفتند: روزبه قهرمان، راهت ادامه دارد! دروغبر روزبه، افسر حزب توده

صفحه ۳

در مراسم بیست و یکمین سالگرد شهید بزرگ خسرو روزبه، بار دیگر پیوند ناگسستنی حزب توده ایران با خلق زحمتکش ما تأیید و تحکیم شد.



امپریالیسم امریکا - خطرناکترین دشمن انقلاب ایران

از پی ترور تبهکارانه دوتن از شخصیت‌های سیاسی و مذهبی ایران، یعنی سپهبد قرنی و آیت‌الله مطهری، سازمان‌های جاسوسی امریکا و دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیسم جهانی و کارگزاران ایرانی آنها تلاش مذبحانه‌ای به کار بردند تا ترور این شخصیت‌ها ی سیاسی و مذهبی را به نیروهای چپ و کمونیست‌ها نسبت دهند.

همزمان با این تلاش، نیروهای راست‌گرای جنبش نیز کوشش کردند که نظرها را - در جستجوی عاملان ترور - به سوی نیروهای چپ و کمونیست‌ها معطوف سازند.

ولی این تلاش‌ها و کوشش‌ها عقیم ماند. مردم ایران با احساس بقیه در صفحه ۶

دادگاه‌های انقلابی یکی از مؤثرترین تحکیم‌کنندگان بنیاد انقلاب کبیر ما هستند

«وفی القصاص حیات یا اولوالبصار»

از صد هزار نفر از ارزنده‌ترین فرزندان خلق‌های ایران، زنان، مردان، نوجوانان و حتی خردسالانی به گردش درمی‌آورد، که در طول همین یک‌سال اخیر به دست دژخیمان رژیم طاغوتی منحل به خاک ریخته شد، تا بهار آزادی را در میهن مالاله‌باران کند. این چرخ‌ها باید آنقدر در گردش باشند تا هرگونه زمینه بازگشت دوران طاغوتی را، به‌شکل و صورت که درآید، غیرممکن و ممتنع سازند. بی‌جهت نیست که هر بار که چرخ‌ها به کار می‌افتند تا وظیفه بقیه در صفحه ۴

خانه روزنامه «مردم» و دروغ‌پردازی‌های شایعه‌سازان

دشمنان حزب توده ایران از پیش هیچ شایعه و دروغ رذیله‌ای علیه حزب ما فروگذار نمی‌کنند. به‌تازگی خانه دفتر روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، آماج شایعه‌پردازی این فرومایکن قرار گرفته‌است. عناصر شایعه‌ساز نخست دعوی کردند که حزب توده بقیه در صفحه ۶

اعلام خطر از صنایع ملی و اقتصاد مستقل باید قاطعانه دفاع کرد

یکی از سخنان تعجب‌آوری که بینندگان تلویزیون، ضمن آخرین سخنرانی آقای نخست‌وزیر شنیدند، مطلبی بود که درباره ذوب آهن، یا دقیق‌تر بگوییم، صنایع فولاد ایران عنوان شد. ایراد این سخنان درباره بقیه در صفحه ۴

قرارداد دوجانبه نظامی و کلیه قراردادهای نظامی با امریکا باید لغو شود

آقای دکتر یزدی، وزیر امور خارجه، طی مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان از جمله اظهار داشته است: «وزارت دفاع ملی به شدت مشغول بررسی کلیه قراردادهای نظامی است تا آن‌ها را که به نفع مانیست، تدریجا لغو کند». وی افزوده است: «وزارت دفاع ملی هم در این مورد دچار مشکل است، چون بسیاری از قراردادهای، نه تنها ارتش مستقیماً دخالت داشته، بلکه هر کدام از نیروها نیز به‌طور جداگانه عمل کرده‌اند و یک سلسله عملیات را انجام داده‌اند... شیوه عمل در نظام گذشته بدین گونه بوده که بتواند از طریق عدم تمرکز اینگونه روابط، امکان فاش بقیه در صفحه ۴

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

دروغ‌پروازان و شایعه‌سازان انتشار داده‌اند که روزنامه «آهنگر»، که گویا به‌جای «چلنگر» منتشر می‌شود، وابسته به حزب توده ایران است. بدینوسیله به اطلاع همگان می‌رساند که روزنامه «آهنگر» هیچگونه ارتباطی با حزب توده ایران ندارد و نمی‌تواند داشته باشد، به این دلیل ساده که مشی سیاسی روزنامه «آهنگر»، آشکارا مخالف با مشی سیاسی حزب توده ایران است. لازم به یادآوری است که روزنامه «آهنگر» به ناحق و نادرست از نام «چلنگر» و محمدعلی افراشته، شاعر توده‌ای و ناشر روزنامه «چلنگر»، به‌اشکال گوناگون استفاده می‌کند، که این روش به‌نوبه خود به‌شایعات مبنی بر وابسته بودن آنرا به حزب توده ایران دامن می‌زند. این روش ناروای ناشران «آهنگر» نیز مورد اعتراض جلی حزب توده ایران است.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸

انقلاب حکم می‌کند که ارتش از کلیه عناصر ضد انقلابی تصفیه شود

انقلاب ایران، انقلابی است ملی، یعنی استقلال‌طلبانه و ضدامپریالیستی و آزادی بخش؛ انقلابی است دموکراتیک یعنی خلقی، به‌سود خلق زحمتکش، به‌سود مستضعفین بر ضد مستکبرین. ارتش جمهوری اسلامی ایران، بنا بر این، می‌بایستی ارتشی باشد ملی و دموکراتیک، مأمور حفاظت مرزها و تمامیت ارضی کشور، حامی و همراه خلق و زحمتکشان، میهن‌پرستان و استقلال بقیه در صفحه ۴

حقیقت بزرگ هر روز نمایان‌تر می‌شود

مادری با دختر شش‌ساله‌اش به دفتر «مردم» آمدند. دختر صندوق کوچکی در دست داشت. مادر گفت: دخترم مطلبی برای گفتن دارد. دختر در صندوق را باز کرد. در صندوق یک گردنبند، یک انگشتری، ۱۲۰۷ ریال پول و یک لیمو بود. دختر گفت: اینها را برای حزب پدرم و خودم آورده‌ام.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان! حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی‌سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله به‌قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکاری‌های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهایی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن ۹۴۵۷۲۸، ۹۴۳۴۵۹ - آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را به حساب بانکی زیرین بپردازند:

شماره حساب بانکی: ۴۳۳۲، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایرا نونین سابق).

«مردم» و شما

خوانندگان «مردم» می نویسند:

* خواننده «مردم»، ب.ص. نامه مفصلی در ۷ صفحه در تحلیل اوضاع کنونی نوشته که بسیار جالب و عمیق است. منتی بسیاری از مطالب آن طی اسناد اخیر حزب و مقالات «مردم» قبلاً بیان گردیده، گرچه دوست ما، با قلمی شیرین و موشکاف، نکات بسیاری را مورد حلاجی قرار داده است. وی در این نامه نخست دسایس ضد انقلابی علیه نیروهای اصلی انقلابی، چه آن‌ها که مستقیماً از جانب راست حمله می‌کنند، چه آن‌ها که در جامعه، در روپوش منبری جلوه‌گری می‌کنند و نظریات امام را تحریف می‌نمایند و چه آن‌ها که زیر نقاب مآورای چه، مواضع راستین نیروهای چه و ترقی‌خواه را تحریف و جعلی‌کنند، برمی‌شمرد. وی منجمه می‌نویسد که، با استفاده از ترور سیاسی کوشش می‌شود به نیروهای مومن با انقلاب شریه زده شود و دشمن اصلی، یعنی امپریالیسم امریکا و بقایای دارودسته شاه مخلوع، از زیر ضربه انقلابیون خارج گردند. در دنباله نامه «ب.ص.» چنین می‌خوانیم: «محرم کردن انقلاب از متحدین راستین و اسیل آن در خارج و تهمت زدن و افسانه‌باختن و تحریف تاریخ و نشخوار آنچه سیاست‌گران غرب امپریالیستی و مبلین رژیم ساقط شده شاه می‌گفتند، عملی است ضد انقلابی».

نویسنده نامه همچنین با ذکر دلایل و نمونه‌ها، از لزوم همبستگی و دوستی با کشورهای سوسیالیستی و تشخیص دشمن عمده ما، در وجود امپریالیسم امریکا، می‌پوینیم، سیا و موباد و دست‌پسورده آن‌ها، بقایای ساواک، صحبت می‌کند و اهمیت مبارزه طبقه کارگر ایران را، که در صف مقدم انقلاب آماده پاسداری از آن است، خاطر نشان می‌سازد و در این زمینه شکوه و متانت و قدرت مراسم بزرگداشت اول ماه مه را گوشزد می‌نماید. وی در نمونه تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی و نبرد قهرمانانه خلق فلسطین، سیمای درخشان دوستان و حامیان خلق‌های عرب و نهضت‌های آزادی‌بخش ملی را در وجود کشورهای سوسیالیستی و نیروهای چه و مترقی منطقه و جهان معرفی می‌کند و به سپاسی‌های مفرضانه‌ای که می‌کوشد در نهایت امر، انقلاب ایران را از متحد طبیعی خویش محروم کند، پاسخ می‌گوید و می‌پرسد: آیا واقفا کسی هست که نداند دشمنان و دوستان این بهشت‌ها کیانند؟ در دنباله نامه «ب.ص.»، خطر سرمایه‌داری وابسته و توطئه وی یا سرمایه بین‌المللی گوشزد می‌شود و از کوششی که در جهت جان تازه دمیدن به سباط بهره‌کشی وابسته، زیر عناوین مختلف، صورت می‌گیرد، ابراز نگرانی می‌شود.

* دوستی می‌نویسد: «رفقا می‌خواستیم پیشنهادی بدیم راجع به «رنجیر»، ارگان به اصلاح سازمان انقلابی (۱)، که در شماره دوم فروردین ماه خود، تحت عنوان «بخالت‌های آشکار امپریالیسم روسیه»، به پیش این شایبه پرداخته بود که گویا از مرزهای شوروی و ایران، به وسیله قطار-خانی که از مرز می‌گذرند، اسلحه‌های بیرون برتاب می‌شود! اما روز دوشنبه اول اردیبهشت‌ماه، مطلبی از آیت‌الله شریعتمداری در روزنامه «کیهان» شماره ۱۵۶۸، شایع مصاحبه ایشان با خبرنگاران شوروی بود، که در آن برده این شایبه اقدام کرده‌اند و آنرا علمی خواندند که ضد انقلاب و کسانی که خواهان جمهوری اسلامی نیستند، دامن می‌زنند.» دوست ما هر دو مطلب را از دو روزنامه فتوکپی کرده و برای «مردم» فرستاده است.

با تکرر فراوان از این خواننده، یاد آوری این نکته بی‌مورد نیست که تنها ضد انقلاب و مخالفین استقلال و آزادی خلق‌های ایران، در این نفع‌دارند که توجه از دشمن اصلی خلق‌ها، امپریالیسم امریکا و بازمانده های فعال و خطرناک سباط محمدرضای فاجر، به سوی دیگری، مثلا نیروهای چه یا به اصلاح «امپریالیسم روسیه» منحرف نمایند. راست‌های خشن، با چپ‌نماهای افراطی، مانند همیشه یک ساز می‌زنند. انقلابی واقعی باید همیشه دشمن اصلی و واقعی را تشخیص دهد؛ هر نوع خلط مجیشی خدمت آشکار به ضد انقلاب است.

رویدادهای ایران

دست‌های ضد انقلاب توطئه می‌چیند

کشف توطئه ترور مجاهدین خلق ایران، که خبر آن در جراید چاپ شد، یکبار دیگر این حقیقت تلخ را تأیید کرد که دست‌های ضد انقلاب هم‌چنان در کار است تا با شکار رزمندگان و مبارزان از گروه‌های مختلف، بذرف نفاق را هر چه وسیع‌تر در سرزمین انقلابی ایران بیافند. به عقیده ما، نقشه ترور مجاهدین خلق به دست همان گروه‌های ضد انقلابی کشیده شده که در قتل قرنی و مطهری دست‌داشته‌اند و البته این آخرین نقشه و تیرتک آن‌ها برای برپائی برادرکشی در ایران نیست. بی‌تردید نخستین گلوله‌ای که در نقده و کردستان و گنبد شلیک شده، از توله تفنگ آن‌ها بیرون آمده است. لذا بر تمام نیروهای انقلابی است که با هوشیاری و زمان سنجی، و به هر وسیله ممکن، این نقشه شیطانی را خنثی کنند و برای دستگیری عواملی که در این گونه توطئه‌ها دست دارند و خنثی کردن نقشه‌های شوم آن‌ها از هیچ کمکی به دولت، به کینه‌های انقلاب و پاسداران انقلاب دریغ نکنند.

با شرکت در جبهه متحد خلق از دستاوردهای انقلاب دفاع کنیم

سران جبهه ملی ایران، بر اساس گزارش‌هایی که در جراید ایران چاپ شده است، تلاش وسیعی را آغاز کرده‌اند تا به قول دکتر شایگان، پراکنندگی آزادیخواهان رفع شود و جبهه واحد ملی تشکیل گردد. انگیزه تشکیل چنین جبهه‌ای، از زبان سران جبهه ملی، حساسیت شرایط موجود کشور و نیاز مبرم به وحدت و یکپارچگی ذکر شده است.

مهم‌ترین مسأله‌ای که در پیش روی تمام آزادیخواهان و خلق قهرمان ایران قرار دارد، قانون اساسی و مجلس موسسان آینده ایران است که می‌باید سرنوشته نسل‌های آینده ایران را نیز تعیین کند. برخی از سران جبهه ملی و یاران قدیمی دکتر محمد مصدق، با این آینده‌نگری، پیشنهاد جبهه واحد ملی را ارائه داده‌اند. حزب توده ایران، هم‌چنان که در اسناد پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب اعلام شده، با توجه به مجموع شرایط حاکم بر ایران و وظائف تاریخی که در برابر خلق ایران و احزاب، سازمان‌ها، سران ملی و دمکرات قرار دارد، پیشنهاد تشکیل جبهه متحد خلق را داده و از هر کوششی بر این جهت پشتیبانی خواهد کرد. به عقیده حزب ما، تنها با تشکیل چنین جبهه‌ای، مرکب از تمام نیروهای انقلابی، ملی و دمکراتیک صرفنظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی آن‌ها، می‌تواند از دستاوردهای انقلاب دفاع کرد و انقلاب را به پیش برد. حزب توده ایران که پیشنهاد تشکیل جبهه متحد خلق را داده، آماده‌است که برای تشکیل چنین جبهه‌ای به تبادل نظر با تمام نیروهای انقلابی، ملی و دمکراتیک بپردازد.

از احزاب سیاسی کمک بگیرید

طرح تشکیل شوراهای، که قرار است زیر نظر حضرت آیت‌الله طالقانی پیاده شود،

همزمان با اعلام رلوس خود مختاری از سوی آقای دکتر سخایی، وزیر مشاور در امور طرح‌های انقلاب، در روزنامه‌های ایران چاپ شد. یکی از نکات اعلام شده در مضامین آقای دکتر سخایی، این اعلام آمادگی و حسن نیت انقلابی بود که سازمان‌ها و احزاب سیاسی نیز می‌توانند نظرات خود را در این باره بدهند تا مورد رسیدگی قرار بگیرد. اما ضمن استقبال از این حسن نیت و با تأکید بر این‌که حزب توده ایران، در برنامه خود، نظریات خویش را درباره خودمختاری خلق‌های ایران داده است، یادآور می‌شویم که برای یافتن بهترین و کامل‌ترین طرح خودمختاری و گنجاندن آن در قانون اساسی ایران، می‌توان و در حقیقت باید از مجموع نمایندگان احزاب سیاسی شورائی به این منظور تشکیل شود.

بلندگوهای یاوه‌سرا و اعدام القایان

اعدام القایان، جاسوس و عامل اسرائیل و امریکا و صهیونیسم بین‌المللی، که به حق یکی از انقلابی‌ترین اقدام‌های اخیر بود، با واکنش‌هایی از سوی محافل شناخته شده و رسوای جهان غرب و دولت غاصب اسرائیل روبه‌رو شد. برای هیچ‌یک از افراد وطن‌پرست و آزادیخواه ایران، ذکر دلیل و انگیزه این محافل در اعتراض به اعدام القایان لازم نیست، زیرا هیچ ایرانی وطن‌پرستی‌گوش به این یاوه‌گویی‌ها به‌کار نیست و به‌خوبی می‌داند که نظایر القایان‌ها در این مملکت چه جنایاتی مرتکب شده‌اند و در وابستگی ایران به اسرائیل و امریکا و دیگر کشورهای متجاوز غرب، چه نقش شومی بازی کرده‌اند و در غارت مردم، کوچک‌ترین فرصت را در سال‌های اخیر، زیر چتر حمایت رژیم شاه - ساواک، از دست نداده‌اند.

چگونه «پیغام امروز» تحریف می‌کند

روزنامه پیغام امروز، در شماره ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۸، خود زیر عنوان «گرامی باد میراث انقلابی خسرو روزبه»، ضمن تجلیل از شخصیت انقلابی روزبه قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران می‌نویسد: «کمیته مرکزی حزب توده، خسرو روزبه را پس از شهادتش، به عنوان قهرمان حزبی، به عضویت افتخاری کمیته مرکزی درآورد...»

یادآور می‌شویم که روزبه قهرمان، عضو افتخاری کمیته مرکزی حزب توده ایران نبوده، بلکه از اعضای اصلی کمیته مرکزی حزب توده ایران بوده است (صرفنظر از آن‌که حزب توده ایران هیچگاه «عضو افتخاری» کمیته مرکزی نداشته و ندارد). ثانیاً کمیته مرکزی حزب توده ایران، روزبه را نه پس از شهادتش، بلکه پس از شنیدن خبر دستگیری‌اش، یعنی در جریان تشکیل پلنوم چهارم کمیته مرکزی در سال ۱۳۴۶، به عضویت کمیته مرکزی حزب برگزید و پس از دفاع دلیرانه‌اش در دادگاه در دسته نظامی، که منجر به شهادتش گردید، طی اعلامیه‌ای، به پیروی از خواست خلق، به او عنوان قهرمان ملی ایران را داد.

هدف از تحریف واقعیات اینست که روزبه را از حزب توده ایران جدا کنند و او را در برابر حزب قرار دهند. اما همان‌طور که ما بارها یادآور شده‌ایم، این تلاشی است عبت. روزبه را، که تا آخرین دم حیات، عضویتش را در حزب توده ایران چون پتک بر فرق دشمن می‌کوبید و به توده‌ای بودن خود افتخار می‌کرد، نمی‌توان از حزب توده ایران گرفت، نمی‌توان او را در برابر حزب قرار داد.

ضمناً این دومین باری است که «پیغام امروز» در آنچه که مربوط به حزب توده ایران است - به تحریف دست می‌زند. بار اول - در مورد مصاحبه رفیق کیانوری - «پیغام امروز» مدعی شده «اشتباه چاپی» بوده است و «پوشش» خواست و ماهم دیگر چیزی نگفتیم. حالا منتظریم ببینیم «پیغام امروز» این بار چه می‌گوید؟

رئیس کل ستاد در برابر نمایندگان جرائد

موضوع سیاست عدم تمهد در رابطه با ارتش امری بسیار بزرگ است. در گذشته ما در پیمان سنتو بودیم و آنچه امروز روشن است واز حالت محرمانه بودن درآمده است، این بود که این پیمان باید جناح جنوب شرقی پیمان ناتو را می‌پوشاند و همه امکاناتی را که امپریالیزم امریکا در اختیار ارتش ایران گذاشت، بخاطر چنین امری بود و در نتیجه ارتش ما در رژیم سابق آماده بود همچون آلت فعلی بنفع امپریالیزم عمل کند. ما امروز در نظر داریم ارتش را به‌طور متعادل به‌صورت استانی تقسیم کنیم تا هیچ کشور همسایه‌ای خطری را برای خود متصور نداند. ما ارتش را سازمان داده‌ایم و به‌سرعت به‌طرف تغییر بنیادی در ارتش می‌رویم و این برنامه را من با قدرت و سرعت دنبال خواهیم کرد. ارتش ما از نظر سازوکار و سلاح بسیار غنی است. ما در سال‌های آتیه بخیرید وسائل احتیاجی نداریم، حتی زیادی هم داریم. نیروی دریائی ما در گذشته داعیه پوشش جزیره دی‌یگو-گاریسیا را در اقیانوس هند داشت، و این نشانی بر غنی بودن این نیرو از نظر وسائل و تجهیزات است. ما اکنون به‌هیچ‌وجه هدف‌های نظامی نداریم و فقط از منافع خود و سرحدات خود دفاع خواهیم کرد. نیروی هوائی و زمینی ما هم از نظر وسائل بی‌نیاز است. ما برآورد خواهیم کرد که ارتش ما در آتیه چه نیازمندی‌هایی خواهد داشت. پس از آن اگر اضافه داشتیم، خواهیم فروخت و یا به کشورهای فروشنده واگذار خواهیم کرد.

دومرد انضباط ارتش تیمسار عقیده داشتند که: «اطاعت بی‌چرا» باید برای ارتش باشد، اما نه به‌صورت کور، بلکه باید به‌افراد ارتش آگاهی داد، آن‌ها را با مسائل انقلاب جمهوری اسلامی آشنا کرد، افراد ارتش باید بدانند که برای مردم خدمت می‌کنند و خدمت آن‌ها یک وظیفه ملی است. در ارتش داریم شورائی بوجود می‌آوریم. مکرز است آسش شورای باز سازی یا نام دیگری باشد. ما همه مسائل ارتش را از طریق این شورا مورد بررسی قرار خواهیم داد. ما از احزاب و جرائد خواهیم خواست که نمایندگانشان بیایند، با ما همکاری کنند، اظهار نظر نمایند، مقاله بنویسند، پیشنهاداتی مطرح کنند و سرانجام خود ناظر ساختن ارتش باشند. ما می‌خواهیم، چه به‌صورت دعوت و چه به‌شکل داوطلب، این نمایندگان در شوراها حضور بهمیرانند. اگر استقبال شد، چه بهتر، و اگر نشد، به‌رحال ما کارها را به‌صورت شورائی انجام خواهیم داد. من به‌صورت فردی تصمیم نمی‌گیرم. ولی سرانجام تصمیم‌گیری، بلحاظ خواهد بود.

پس از این بیانات، تیمسار رئیس ستاد کل، به‌رپرسش‌های خبرنگاران جرائد پاسخ دادند.

در ساعت ۱۵ صبح روز پنجشنبه ۵۸۲۲۲۵، به دعوت ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران، نماینده روزنامه مردم در ستاد ارتش حاضر شد، نمایندگان سایر جرائد پایتخت هم حضور داشتند. در سالن کنفرانس تیمسار سر لشکر رفید، رئیس ستاد کل، علت دعوت را آشنائی با نمایندگان جرائد به‌منظور کمک گرفتن از آن‌ها ذکر کرد تا چهره واقعی ارتش، آن‌طور که هست و آن‌طور که در آتیه خواهد بود، در معرض مردم قرار گیرد. ایشان چنین بیان مطلب کردند که: من پس از چهارسال دوری از محیط ارتش، پس از آن‌که به‌این سمت انتخاب شدم، به‌بازسازی ارتش روی آوردم. در مورد ارتش در رابطه با انقلاب، من اعتقاد دارم که اکثریت ارتش‌ها، یعنی تنه ارتش، ملی بود و از این‌رو مبارزه و درگیری با مردم را قبول نکرد و در روزهای حساس تاریخی کشور ما، از کشتار مردم نترسید و خود را به‌انقلاب تسلیم کرد، میدانیم که اقلیتی در راس بودند و قصد مخالف داشتند، یعنی قصد سرکوب مردم، ولی این مجال را نیافتند و رسوا شدند. من اعتقاد دارم که ارتش از مردم جدا نیست و لذا باید در اعاده روحیه ارتش و مفاصل در میان مردم کوشش شود و شما هم باید در این امر کمک کنید. من برای این موضوع خدمت امام رسیدم و به تفصیل در مورد ارتش با ایشان صحبت کردم و ایشان به‌دنبال آن، فرمان پنجگانه خود را صادر کردند که در اعاده روحیه افراد ارتش، که حالت انضامی پیدا کرده می‌تواند، موثر واقع شود. در ۲۹ فروردین طی نمایش خیابانی ارتش ما با استقبال گرم مردم روبرو شد. در بازگشت به‌سرایخانه، روحیه‌ها بهتر بود. آن‌ها محبت‌مردم را احساس کرده بودند. رئیس ستاد کل چنین ادامه داد: من از روزی که آمدم، همه تلاش این بوده‌است که ارتش را از فردگرائی گذشته جدا کنیم. چون اعتقاد دارم ارتش ما یک ارتش ملی است و باید شایسته چنین نامی باشد. من در جزئیاتی از قبیل واقعه گنبد و نقده نگران بودم و تلاش داشتیم که گلوله‌ای از سلاح‌های ارتش به‌سوی مردم شلیک نشود و خوشبختانه موفق شدیم. من اعتقاد دارم که باید از پراکندگی ارتش جلوگیری کرد و کار زاندارم و پلیس را به او محول نکرد. دولت و شورائی انقلاب می‌خواهند که پاسدار انقلاب داشته باشیم. من به دو دلیل تربیت کوتاه مدت چنین سازمانی را قبول کردم. اول به‌خاطر حفظ روحیه انقلابی مردم و دوم آماده بودن مردم برای مبارزه با ضد انقلاب، و بلاوه وجود این سازمان به عدم پراکندگی ارتش هم کمک می‌کند. ما کاری می‌کنیم که روزی که قانون اساسی آماده شود، ما هم جای خود را به‌حق پیدا کرده باشیم.

موضوع دیگری که تیمسار رئیس ستاد بر آن تکیه داشت واز اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اشاره به موضوع عدم تمهد در زمینه سیاست خارجی است. ایشان گفتند که:

توضیح لازم

در ماه‌های اخیر نوشته‌هایی از جانب برخی ناشران، به‌نام رفیق احسان طبری، چاپ شده، که به‌هیچ‌وجه به‌ایشان مربوط نیست، مانند «یادداشت‌های زندان»، با امضاء مستعار «ا. آ. آ.» که نویسنده آن رفیق اردشیر آوانسیان است، و «مولوی هگل شرق»، که مؤلف آن گویا نوروز امامی است. بدینوسیله، ضمن تصحیح این عدم دقت و اشتباه ناشران، باز دیگر توجه همه ناشران را اولاً به‌دقت بیشتر در این زمینه فرا می‌خوانیم، ثانیاً در آنچه که مربوط به چاپ و یا تجدید چاپ انتشارات حزب توده ایران است، رعایت چاپی مربوط به انتشارات حزب توده ایران را، تحت عنوان «قابل توجه ناشران»، خواستاریم.

«مردم»

مخلوع بود، کار دائم بود و اگر حالا نیست، تقصیر جمهوری است. چنین جریانی توطئه ساواک است، توطئه‌های امپریالیست‌ها و سلطنت‌طلبان است. اگر کسی صادقانه طرفدار کارگران باشد و در تحریک ناراضی‌ها تا بدین حد جلو رفته باشد باید بداند آن‌که خود بخواد، بدون آن‌که در دام افتاده است. هر جمهوری‌خواه آگاه و هر انقلابی بی‌گیر بروشنی می‌بیند که جلوی ضد انقلاب را در این زمینه هم باید گرفت و هر گونه تملق و باری به‌جهت کردن و لاینحل گذاشتن مسئله حاد بیکاری، آبی است به‌آسیاب دشمن، کمکی است به‌دشمنه چنین ضد انقلابی. کارگران و بیکاران حق دارند با تمام قدرت از خواست‌های حقه خویش دفاع کنند و مطالب پیش‌برد دستاوردهای انقلاب باشند. اما در ضمن باید سخت هشدار باشند که اکنون دیگر عمال شاه خائن و ساواک و وابستگان با امریکا، شیوه‌های جدیدی به‌کار می‌برند و وظیفه همه ماست که این شیوه‌ها را افشا کنیم و از انقلاب بزرگی خود، در همه جبهه‌ها و در مقابل همه‌گونه دسایس آشکار و پنهان، مدافعه نماییم.

تصحیح

در شماره ۱۲ مردم کمک دوست گرامی آرمان اشتباهاً ۱۵۵۵ تومان چاپ شده‌است. ایشان ۱۵۵۵۰ تومان کمک کرده‌اند. از این اشتباه چاپی پوزش می‌طلبیم و از کمک ایشان بار دیگر صمیمانه سپاسگزاریم.



عباس حجری، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران



رضا شلتوکی، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران



ابوتراب باقرزاده، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران



آصف رزم‌دیده، عضو مشاوره کمیته مرکزی حزب توده ایران



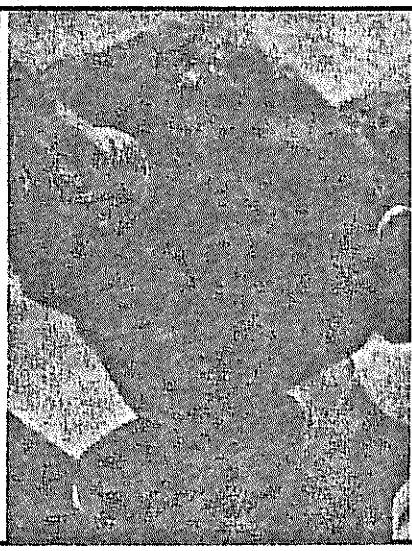
صابر محمدرزاده، نماینده کارگران عضو مشاوره کمیته مرکزی حزب توده ایران

گزارش مراسم باشکوه نزرگداشت خسرو روزبه...

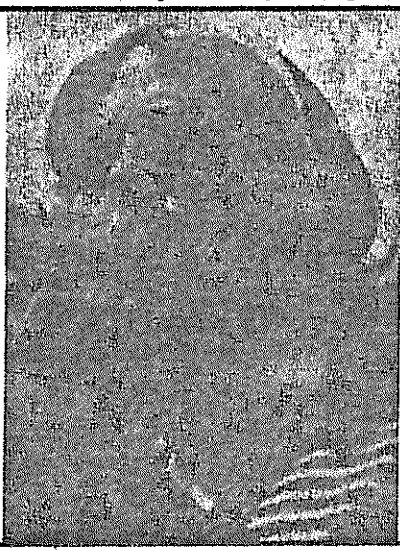
گورستان از خواب دیرسال برمی‌خیزد. در رستاخیز مردگان، مردی از میان قامت سبز مردها و بوی خوش گل‌ها می‌آید. از نگاهش خورشید و شبنم می‌تراود. برپیشانی‌اش چند شقایق خونین شکفته. مردگان در عبور گام‌هایش جان می‌گیرند. پیکر افسانه‌ای او در این جهان نمی‌کنجد. هزاران چشم‌به‌او می‌نگرند. کارگران گل‌های خونین به‌پایش می‌ریزند. پیرمردی عصازنان می‌آید و پیشانی‌اش را می‌بوسد. پیرزنی بر او کلاب می‌باشد. آنگاه، مردگان و زندگان این بانگ را تا خورشید پرمی‌دهند: درود بر روزبه، افسر حزب توده...



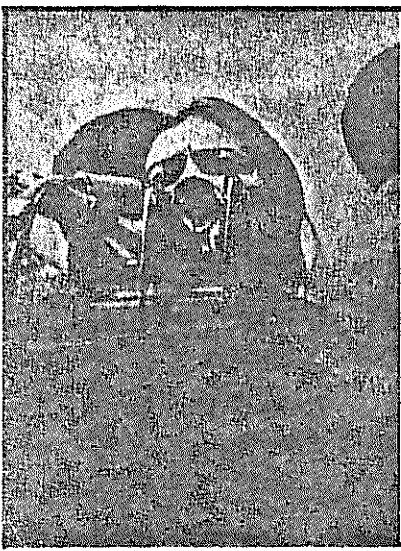
ابوعلی، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق



صلاح‌الدین نافوا زاده، نماینده حزب دموکرات کردستان ایران



ژاله نوتاش، نماینده دانش‌آموزان



فاطمه ایردی، نماینده زنان

جمعیت مردم فشرده‌تر می‌شود. دست‌ها عکس‌های روزبه است، استوار چون کوه ایستاده و با آن چشم‌های درخشان به‌آینده چشم دوخته است. برگورش، هم‌آنگون، هنوز دقیقه‌ای از آغاز مراسم نگذشته، کوهی از گل برپا ایستاده. صف چنان فشرده است که از فاصلای دور، راه عبور نیست. موج‌های گل درمی‌رسد. دست به دست، از فراز سرها عبور داده‌می‌شود و بر گور قهرمان ملی، کوه گل را انبوه‌تر می‌کند. زندگی زیباست

زندگی آتشگهی دیرننه پا برجاست این صدای رفیق باقرزاده است. آرش را می‌خواند. آرش کسرائی را، که به آرش حزب، به خسرو روزبه تقدیم شده است، می‌خواند. و خسرو روزبه، با تمامی قامت افسانه‌ایش آنجا حاضر است. اکنون صدای رفیق صابر محمدرزاده به‌گوش می‌رسد. پیام کارگران را می‌خواند: «درود بی‌پایان ما کارگران ایران به خسرو روزبه، مردی که مرد بود و مردانه زیست و مردانه شهید شد. سلام گرم طبقه کارگر آگاه و قهرمان ایران به‌خاطر تانک رفیق فراموش نشدنی ما خسرو روزبه، رفیقی که درد آشنا بود و زندگی خود را وقف آزادی و استقلال و سعادت مردم کرد.»

این صدای نیرومند کارگران، صاحبان امروز و فرداست که طنین می‌افکند: «ما بر سر مزار او گردآمده‌ایم تا به زنده بودن او گواهی دهیم. ما کارگران در اینجا هستیم تا از آفتاب درخشان و بی‌غروبی که از این مزار سر می‌کشد، برای تقویت پیکار خود، در راه تحکیم انقلاب و سرکوب ضدانقلاب، در راه خواست‌های حقه طبقاتی و ملی و میهنی خود الهام گیریم...»

کارگران و دیگران با فریاد تائید خود، بر این پیمان صحنه می‌گذارند. نوبت به‌زنان دمکرات رسیده است. خانم فاطمه ایردی سخن می‌گوید: «۲۱ سال پیش، هیات حاکمه با به‌خون کشیدن روزبه ماهیت جنایت‌کار و خیانت‌کار خود را بار دیگر به‌ثبوت رسانید... روزبه زندگی

و مرگ خود را به‌تبیخ برنده‌ای بر گلوی دشمن خونخوار مبدل ساخت...» درود بر روزبه... همه از میان کاج‌ها برمی‌خیزد، صدای سخنران را می‌برد و در خیزی تند به شعاری طوفانی مبدل می‌شود. همه یک‌صدا بانگ می‌زنند: درود بر روزبه، افسر حزب توده... و باز صدای رفیق: «مقاصد اجتماعی ما همه از منبع بشردوستی و خدمت به مردم آب می‌خورد، ما می‌خواهیم زنان‌بامردان در تمام شئون، حقوق مساوی داشته و دوشادوش مردان به‌خاطر عظمت کشور بکوشند...»

سردار حزب توده، راحت ادامه دارد! ۲۱ اردیبهشت است. سال ۱۳۵۸. بهار آزادی. ۱۱ صبح. کارگران، زحمتکشان، اعضا و هواداران و دوستان حزب توده ایران، بر مزار قهرمان ملی جمع شده‌اند تا خاطره‌اش را گرامی دارند. در میان درختان کاج و صنوبر، موج در موج، دریای انسانی در خروش است. صدای رفیق حجری به‌گوش می‌رسد، این هم‌رمز زندان کشیده و شکنجه دیده روزبه، از سوی کمیته مرکزی حزب، درباره زندگی و پیکار روزبه سخن می‌گوید: «دشمن ضعف خود را در برابر این مظهر نبرد، با وجود صدها سرباز و سربزه، پنهان می‌داشت. به‌کمک عصا به‌راه افتاد. صدای مردمی بود که او را سپیده، صدای مردمی بود که او را وجدان بیدار خود می‌دانستند...»

صدای رفیق حجری بر فراز جمعیت، تاریخ را ورق می‌زند: «بعضی سعی دارند روزبه را از حزب ما جدا کنند. آن‌ها فراموش می‌کنند که روزبه گفت: خون و گوشت و پوستم توده‌ای است. او به توده‌ای بودن خود افتخار می‌کرد و ما به وجود او. ما راه او را ادامه خواهیم داد.»

رفیق شهبازی می‌گوید: «رژیم پهلوی فکر می‌کرد با کشتن او به‌زندگی اسطوره‌ای‌اش خاتمه می‌دهد...» و بانگ مردم: روزبه قهرمان، راحت ادامه دارد... اینان که فریاد می‌زنند، ادامه راه خسرواند. امتداد زندگی اوینند. این جوان، آن پیرمرد، آن دختر، آن که عکس خسرو را در دست دارد. کنار عکس، خسرو را به چوبه اعدام بسته‌اند. از پیکرش خون می‌ریزد و باز روزبه از این خون متولد می‌شود. این چهره ابدی اوست که فراز سر جمعیت، به دژخیمان پوزخند می‌زند. رفیق نماینده دانشجویان ادامه می‌دهد: «دشمنان کوشیدند روزبه را از حرش و یارانش جدا کنند، ولی جمعیت امروز نشان می‌دهد که باران وی به‌راه او، آرانی‌ها و کامبخش‌ها وفادارند. ما امیدواریم در پرتو رهنمودهای حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، کارگران بتوانند جامعه‌ای نوین بسازند...»

این سخنان را، این حقیقت را که روزبه از مرزهای ملی گذشته و در صف اول قهرمانان جنبش جهانی کارگری و کمونیستی قرار گرفته، پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق تائید می‌کند: «توای شهید جاوید! در کنار شهدای جنبش انقلابی جهان و شهدای نهضت مقاومت ضد فاشیستی اروپا همچون نوبیک‌ها، همراه قربانیان ارتجاع و امپریالیسم در عراق رفقا فهدوسلام‌عادل، در کنار رفیق شهید عبدانی‌لقام‌حجوب دبیر کل حزب کمونیست سودان و فرج‌الله‌الحلو کمونیست نامدار لبنان...»

رفیق عراقی ادامه می‌دهد: «درود به‌توای شهید بسزرگ و قهرمان! درود به‌همه شهدای حزب توده برادر، سیامک‌ها، مشری‌ها، وکیلی‌ها، حکمت‌جوها، وارطان‌ها، تیزابی‌ها، جانجانی‌ها! سلام به‌همه شهدای جنبش ملی و مذهبی ایران، ابراهیمی‌ها، قاضی‌ها، شرعتی‌ها، رضائی‌ها، جزئی‌ها و مطهری‌ها...» جمعیت به‌تلاطم می‌آید. نام شهدا، تابناک بر قلب آسمان می‌درخشد. از کنار نام بزرگ روزبه، پلاکات‌هایی می‌گذرد. این تصویر شهدای حزب است. این تیزابی است، آن حکمت جو، آن پشت، کنار آن مرد کوچک شوشتری است، آن دیگری، بر فراز بوته گل سرخ، آری، این وارطان است. خوب نگاه کن! در دل جمعیت جانجانیان را می‌بینی، سیامک هم هست، وکیلی هم... این صف خونین، همراه تاریخ خونین مبارزات کارگری ایران پیش می‌آید.

ژاله نوتاش پیام دانش‌آموزان را قرائت می‌کند. وقتی از لحظه آتش می‌گوید، لحظه‌ای که خود روزبه به سربازان جوخه اعدام «آتش» فرمان شلیک داد، نگاه می‌کند. اشک در چشمان

پیش بسوی جبهه متحد خلق! جبهه اصلی نبرد جبهه ضا امپریالیستی است! زنده باد حزب تود ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران! درود بر امام خمینی، رهبر انقلاب ایران! از پیشنهاد رهبری انقلاب درمور تشکیل شوراهای شهر پشتیبان می‌کنیم! جاودان‌باد خاطره تابناک خسرو روزبه قهرمان ملی و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران! روزبه قهرمان، راحت ادامه‌دارد... حزب توده پیروز است... درود بر کمیته مرکزی حزب ما، بقیه در صفحه

لحظه‌ای بعد محمد زهری پشت

لحظه‌ای بعد محمد زهری پشت

لحظه‌ای بعد محمد زهری پشت

گروه کشورهای غیر متعهد و مبارزه علیه امپریالیسم

و اقتصادی امپریالیسم جهانی و در درجه اول امپریالیسم آمریکا پیروزی نمودند. امروز در گروه کشورهای غیر متعهد، اکثریت کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین متشکل شده اند، که در عرصه جهانی به نیروی چشمگیری تبدیل گشته و در سیاست جهانی نقش مؤثری ایفاء می کنند. گروه کشورهای غیر متعهد به منظور تدوین برنامه مشترک عمل و هماهنگی خط مشی و اقدامات خود در زمینه های سیاسی و اقتصادی و مسائل بین المللی، تاکنون چند کنفرانس برگزار نموده و در قطب نامه ها و مسوبات این کنفرانس ها سیاست دول و انحصارات امپریالیستی را نسبت به کشورهای مستقل ملی محکوم کرده اند.

در مسوبات گروه کشورهای غیر متعهد به تفرقه افکنانه رهبری مائوئیستی پکن نیز توجه شده است، که همواره تلاش کرده و می کند تا در میان این کشورها نفاق و پراکندگی ایجاد نماید و این کشورها را از راه مبارزه بر علیه دشمن اصلی استقلال سیاسی و اقتصادی آنها، یعنی امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، منحرف سازد. تر «بر قدرت ها» و در یک سطح قراردادن دول امپریالیستی با کشورهای سوسیالیستی و یگان وانمود کردن سیاست آنها نسبت به کشورهای غیر متعهد که ابتکار آن از امپریالیسم آمریکاست و از جانب رهبری پکن اشاعه داده می شود، هدف دور کردن کشورهای نو استقلال را از متحد طبیعی شان، یعنی کشورهای سوسیالیستی، و توجیه سیاست نواستعماری امپریالیسم را نسبت به گروه کشورهای غیر متعهد دنبال می کند. اما گروه کشورهای غیر متعهد به این خط مشی تفرقه افکنانه رهبران پکن واقفند و آنرا محکوم می کنند.

بدین ترتیب خود اندیشه و عمل تشکیل و همبستگی گروه کشورهای غیر متعهد واکنشی است در برابر تلاش های دول امپریالیستی، و در درجه اول امپریالیسم آمریکا، برای تحمیل سیاست نواستعماری به کشورهای مستقل و ملی، و مقاومت و مبارزه هم آهنگ و جمعی این کشورها علیه امپریالیسم جهانی.

به چنین گروه و به چنین سیاستی است که دولت جمهوری اسلامی ایران می پیوندد، و باید هر چه زودتر بیبویند و بکوشد که با اصلیت، قاطعیت و بیگیری، هم هدفهای ضد امپریالیستی انقلاب ایران را در جمع کشورهای غیر متعهد پیش ببرد و هم مواضع و اهداف ضد امپریالیستی گروه کشورهای غیر متعهد را تقویت کند.

پس از جنگ جهانی دوم، که در نتیجه پیروزی بر فاشیسم و ارتجاع جهانی، در تناسب نیروها در عرصه جهان، بفتح نیروهای صلح و استقلال و دمکراسی تغییر ماهوی پدید آمد، سیستم مستعمرات امپریالیسم متلاشی گردید و کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین با مبارزاتی پیکر و سرسختانه، یکی پس از دیگری سلطه امپریالیسم را برانداختند و در کسب استقلال ملی پیروز شدند. امپریالیسم جهانی که دیگر قادر نبود با شیوه های کهنه استعماری کشورهای نو استقلال را زیر سلطه سیاسی و اقتصادی و نظامی خود نگاهدارد، برای رسیدن به اهداف توسعه طلبانه و استثمارگرانه خود به شیوه های تازه ای متوسل شد و تلاش نمود از راه ایجاد پیمان های نظامی و سیاسی و اقتصادی در مناطق مختلف جهان و جلب کشورهای نو استقلال به این پیمان ها، سیاست نواستعماری خویش را بر این کشورها تحمیل کند و این کشورها را از لحاظ سیاسی و اقتصادی و نظامی به خود وابسته کند.

کودتای خائنه ۲۸ مرداد امپریالیسم آمریکا و مزدوران آن علیه دولت ملی دکتر مصدق، لغو قانون ملی شدن نفت و ورود ایران به پیمان نظامی ستو، که از نخستین اقدامات رژیم دست نشانده شاه مخلوع و دولت کودتائی زاهدی بود، نمونه بارز تحمیل سیاست نواستعماری امپریالیسم آمریکا بر کشور ما بود.

رهبران ملی کشورهای نواستقلال، که متوجه خطر این سیاست امپریالیستی علیه استقلال ملی خود گردیدند، به منظور مقاومت جمعی، به مقیاس جهانی، در برابر امپریالیسم و حفظ و استحکام استقلال سیاسی و پایان بخشیدن به وابستگی اقتصادی خود به دول و انحصارات امپریالیستی، به تشکیل جنبش کشورهای غیر متعهد اقدام نمودند. مبتکرین تشکیل گروه کشورهای غیر متعهد که از رهبران ملی برجسته کشورهای نواستقلال بودند، خطوط اصلی سیاست جنبش کشورهای غیر متعهد را مبتنی بر مقاومت و مبارزه جمعی این گروه از کشورها در برابر توسعه طلبی و تجاوز سیاسی

دادگاه های انقلابی یکی از... خود را در ترمین آینه یک ایران آزاد و مستقل و آباد انجام دهند و شغال های حیل گر و پلنگ های تیز دندان را به سزای یک هزارم از جنایاتی که مرتکب شده اند، برسانند، دشمنان انقلاب و سردمداران امپریالیسم و صهیونیسم زوزه سر می دهند که: ایها الناس چه نشتاید که توحش قرون وسطائی ایران را فرا گرفته است. کار ترا و موشه دایان ها، این نمایندگان سیا و موساد، که به همکاری برده وار همین مستبدین بی الارض، تضمین کننده قدرت جهانی محمد زوی فاسد و دستگاه سلطنتی سراپا آلوده در خون او بودند؛ این ها که تا آخرین لحظه که هنوز امیدوار به نجات سلطنت تنگن قرون وسطائی بودند و نعره بر می کشیدند که «ما از شاه و از رژیم ایران پشتیبانی خواهیم کرد»، اینک که پایه های سلطه پلید خود را فرو ریخته می بینند و دستیاران خود را در برابر عدل انقلابی متناهی می کنند، برس و سینه می کوبند و گاه به نام حقوق بشر و زمانی به نام آزادی و انسانیت، که خود آنرا در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین زیر پا له کرده اند و می کنند، جهان را پرغوغا می کنند و دادگاه های انقلابی را تخطئه می نمایند، تا این چرخ مقدس را از کار ببینانند.

این بار اولی نیست که انقلاب های اصیل در معرض تهمت و افترای دشمنان داخلی و خارجی انقلاب قرار می گیرند. آن ها خوب می دانند چه شربه سنگینی خورده اند و ماهم خوب می دانیم، و این منادیان «حقوق بشر» و این درخواست کنندگان بی عاطفه و درنده «عاطفه و ترجم و گذشت» راهم خوب می شناسیم. آیا لازم است بعد از آنهمه اقتضاج و سوابق بار دیگر کرم های کثیفی را که در اجترار سلطنت پهلوی امکان موجودیت می یافتند، بار دیگر بخوانندگان معرفی کنیم؟ آن ها ایران را به شکنجه گاه سراسری تبدیل کردند، یک نسل تمام را به سوی ورطه ی فساد و تباهی کشانیدند، کشوری را تاراج و ویران کردند و نابکارانه به دست تاراج سپردند. هر کدام از آن ها که اینک در برابر دادگاه عدل انقلابی قرار می گیرند بهمان قدر که در زمان قدرت جبار و خونخوار بودند، خود را پست و حقیر نشان می دهند و با فرومایگی و پستی نفرت انگیز از کرده اظهار ندامت می کنند و خود را مانند کرم های اجترار بزیر پای داوران می افکنند و با عجز و الحاح ترجم و گذشت طلب می کنند چون چرخ عدالت که بحرکت درمی آید، یکی از این مایه های فساد و کثافت و انحطاط روحی می شود.

مخلوع، دولت ایران با دولت آمریکا رشته قراردادهائی در مورد مستشاران و کارشناسان نظامی آمریکا بسته، که طبق آن ها، ماموران پنتاگون عملاً اداره تمام امور ارتش ایران را در اختیار گرفتند، فسخ این قراردادها به احتیاج به وکیل مدافع دارد و ندهوای حقوقی، چرا این گونه قراردادها ملغی نشده اند؟

سوم این که، بنا به اظهارات وزیر خارجه، شیوه عمل نظام گذشته چنان بوده که این گونه مسائل فاش نشده. بنابراین شیوه نظام جدید، دولت جمهوری اسلامی ایران، باید چنان نباشد، باید آشکار عملیات ضد ملی نظام گذشته باشد و بنابراین باید تمام قرارداد های نظامی را که با دولت و یا انحصارات سلطنتی امپریالیستی امپریالیسم متشکر شده، تا افکار عمومی کشور از درجه و وست حیانت نظام گذشته، نسبت به حیاتی ترین مصالح کشور ما، مطلع گردد. این اقدامی است انقلابی که شربه سنگینی به بازمانده های نیروهای ضد انقلابی وارد خواهد ساخت و بنابراین باید انجام گیرد. از همه مهم تر - و این موضوعی گریه است - آقای وزیر خارجه نامی از قرارداد دوجانبه نظامی، که به سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸) بین دولت شاه خائن و دولت امریکا انعقاد یافته، نبرده است، چرا؟

آقای دکتر یزدی به درستی اظهار داشته است که ایران از پیمان ستو خارج شده، زیرا که این پیمان «ارتش مارا به صورت یک زائده در رابطه با ارتش های خارجی قرار می دهد و مانع می شود که ارتش ما مستقل و ملی باشد».

این سخن بی کم و کاست نسبت به قرار داد دوجانبه نظامی با امریکا نیز صدق می کند. قرارداد دوجانبه نیز ارتش مارا به صورت یک زائده ارتش امریکا درمی آورد. ولی دولت نه فقط النای آن را اعلام نکرده، بلکه وزیر خارجه در اظهاراتی که درباره قراردادهای نظامی نموده، حتی اسم این قرارداد اسارت بخش را بر زبان نیاورده است.

خطراتی را حس می کردند، قلم به دست گرفتند نظیر آقای مهدی بهشتی بود، که از مدافعان پر سابقه صنایع ملی و مادر پولاد در ایرانست و مقالات مفصل و تحقیقی انتشار دادند. همه اینها نشان بیداری و آگاهی بود، معلوم شد که در یکی از حساس ترین مسائل، که کسب استقلال اقتصادی و رهائی از وابستگی به اقتصاد مونتاز است، افکار عمومی و میهن پرستان بی تفاوت نیستند و به فوریت عکس العمل کرد از یک دستاورد بزرگ و از یک آرزوی ملی دفاع می کنند و برای قطع تمام رشته های نواستعمار و وابستگی می کوشند.

در چنین شرایطی، جای شگفتی نیست اگر تجدید مطلع از جانت آقای نخست وزیر، که عملاً در جهت تخطئه ذوب آهن و غیر اقتصادی جلوه دادن آن بود، لااقل حیرت انگیز تلقی شود. در زمانی که دولتی به دنبال انقلاب ضد امپریالیستی به روی کار آمده، انتظار عمومی آنست که راه استقلال اقتصادی و توسعه سالم و متکی به خود اقتصادی در پیش گرفته شود و از بیراهه هائی که نواستعمار پیش پای کشورهای در حال رشد می گذارد، هشیارانه اجتناب گردد.

برای امپریالیست ها چه بهتر آن که کشورهای نظیر ما همیشه نیازمند آنها بمانند و صنایع مادر در آن ها ایجاد نشود. مگر نه آنست که از نیمه اول قرن گذشته، در زمان عباس میرزا و در نیمه دوم قرن، به هنگام امین الشرب مانع ایجاد چنین پایه های شدنی؟ مگر نه اینست که انواع مستشاران و متخصصان و وزراء و سفیران آن ها از امریکا و انگلستان و آلمان و غیره، در امر ایجاد ذوب آهن سال های متداری کارشنکی کردند و همچنین بهانه ها را بارها و بارها تکرار کردند؟

چه اسراری است و چه چیزی پشت پرده است که می خواهند واقعیات را در گروته جلوه دهند؟ آیا نا آگاهی و عدم توجه به ارقام و بیلان ها و برنامه ها می تواند تنایه استدلال با امثال انصاری ها و مجیدی ها و ارهاردها را توجیه کند؟ چرا سخنی از سه میلیارد تومان ضرر می کنند، در حالی که به نوشته شورای نامبرده، ۳۳۳ میلیون تومان بابت اصل و بهره سرمایه در گردش، به بانک ملی برگشت داده شده و ۵۱ میلیون تومان مالیات حقوق به وزارت دارائی پرداخت شده و در مقابل ۱۷ میلیون تومان گسری داشته است؟ مگر در همه جای دنیا چنین صنایع عظیمی، تا هنگامی که به سطح معینی از رشد و درجه مطلوبی از گسترش نرسند، وضع چگونه است؟ و مگر میهن دوستان می توانند از اصل عمده ایجاد صنایع مادر و به کار گماشتن ده ها هزار کارگر و ایجاد اینهمه تاسیسات معدنی و حمل و نقل و ساختمانی جنبی چشم پوشی کنند؟ در کنار ذوب آهن ایران، درست به خاطر آن که از وابستگی امپریالیستی برکنار و صنعتی بود بواقع مادر و اصل، ده ها معدن کشف و استخراج شد و شبکه راه آهن به نسبت ۲۵ درصد گسترش یافت، راه های شوسه و پلها و شهرکها و وساکن ساخته شد و مراکز متعدد آموزشی برای تربیت مهندسان و تکنیسین های ایرانی به منظور ایجاد کادر ملی و بی نیازی از متخصص خارجی تاسیس گردید. همه اینها، به رغم هزاران دسیسه و هزاران مانعی که دستگاه جبار پهلوی ایجاد می کرد و به رغم قانده خلع الساعادی که به سود رضائی ها و

احتمالاً بیانگر سیاستی در جناحی از دولت کنونی است. مردم ایران چند هفته است که سخت از گفته های وزیر اقتصاد و سپس معاون نخست وزیر و سخنگوی «وست» دولت موقت به حیرت افتاده اند، زیرا ادعا های آنان درباره «غیر اقتصادی بودن» و «ضرر دادن» و «غیر متداول بودن» صنایع فولاد و ذوب آهن اصفهان، همه را به یاد مخالفین صنایع مادر و تحکیم اقتصاد سالم و ملی و به یاد دعاوی طرفداران «صنایع مونتاز» و وابسته کنندگان همه چرخ های کشور به واردات اساسی ترین مواد مورد نیاز از کشورهای امپریالیستی می اندازد. این سخنان چنان با واقعیات در تضاد بود و به قدری با ماهیت و منافع انقلاب بزرگ ایران متناقض بود که عده ای را سردرگم کرد، عده ای را به اعتراض واداشت، عده ای را ناچار به توضیح و راهشائی کرد و البته عده ای هم - از جانبداران حکومت مخلوع - سخت خوشحال شدند. توضیح مختصر و روشن کشنده ای که از جانب «شورای کارکنان مرکزی شرکت ملی ذوب آهن» انتشار یافت، و با رقم و مدرک و سند، ادعای ضرر دادن و غیر متداول بودن را رد کرد، در بسیاری از مجرایه و منجمله در «مردم» (شماره ۹) منتشر شد و صاحب نظران، که به درستی نطفه های

که آنرا معنویت می نامند، توجه داشت. به همین جهت بجای معنی یهود توسعه میگرد که «مال خدا را به خدا و مال قیصر را به قیصر بدهید». در حالی که اسلام، سلطه قیصر را محکوم می کرد و «مال» آنها را از آن جامعه مسلمان می دانست، مسیح، تحت شرایط زمان خود به پیر و انش می آموخت که اگر طرف چه تورا سبلی زند، طرف راست خود را هم تورا پیر، و اگر کسی عیای تورا از تو باز گرفت، ردای خود را هم به او ببخش. آن تعلیم کجا و این تعلیم کجا که: «فی القصاص حیات یساولو الابصار»!

شما بنام اسلام بنده وزاری می کنید که انتقام در اسلام ناپسند است. در حالی که اسلام واقعی می گوید اینجا پای قصاص در میان است و کسی نمی خواهد انتقام شخصی از این عاملین جور و بیداد بکشد. پای برکندن ریشه های فساد و تهاکاری در میان است، نه به خاطر انتقام کشیدن، بلکه برای قطع تمام شاخه های قدرت جهانی و طاغوتی، که همه ی ارزش های عالی اسلام را زیر پا افکنند و به دست همانها به پا افکنند، که شما هم اینک دل نرمان به حال آن ها می سوزد، در حالی که خود آن قدرت طاغوتی ساخته «سیا» بود و پایه های بر سلطه جهانی ساوالک موساد، امپریالیسم، و صهیونیسم قرار داشت. ما از سردمداران این قدرت ها، و در راس آن ها امپریالیسم آمریکا، جز این توقع و انتظار نداریم که با از دست دادن مهره های کار خود - این ابزار فساد و تباهی دنیائی و دینی - زوزه سر بدهند و فریاد و فغان بر آورند حیرت و افسوس ما این است که کسانی که در درون کشور، در حالی که هنوز منظره روزهای خوین همین یک ساله اخیر در پیش چشم ما است، در حالی که هنوز خون شهیدان راه آزادی خشک نشده، فریفته این نغمه ها می شوند. افسوس بزرگ ما آنست که چرا به جای

خبر آقایان! ما از تاریخ گذشته با چیزیها آموخته ایم. تاریخ مشروطیت اینک در جلوه روی ما است. در آن وقت نژودالیزم قبیله ای و نماینده اشرفیت لیبرالی، همانطور که اینک شما می خواهید، عمل کرد. آن ها به قتل «داود پیراوان»، سر دست فراموسن سالی ایرانی، با کرم و بخشایش و بزرگواری نسبت به نگاه کاران عمل کردند و ریشه های فساد را به جای خود باقی گذاشتند و از همین ریشه های زهر آگین بود که سرانجام درخت سلطنت تنگین و خون آشام پهلوی در ایران سرکشید تا ایران و ایرانی را به بردگی بکشاند.

شما خوب می دانید و ماهم خوب می دانیم که پایه سلطنت پهلوی - پهلوی نوعی - ندر او اخر دهه دوم این قرن بلکه در همان دهه اول این قرن، و به علت همین «گذشت از گناه گنه کاران»، به تدریج استوار شد و اسارت پنجاه و شش ساله مردم ایران نتیجه نامیوس همان «عفو گنه کاران» است. ما نمی خواهیم و نباید اجازه دهیم که به نام «ترجم نسبت به گنه کاران»، زمینه اسارت مردم میهن ما و شکست انقلاب بزرگ ما فراهم شود. ما هر گونه ترجمی نسبت به این سیاهکاران و این عاملین گوش به فرمان زور را پتکی می دانیم که بفرق انقلاب بزرگ ما فرو می آید. و برعکس هر مهره ای که از دست جهانخواران امپریالیست گرفته شود، به همان اندازه زمینه اعاده اوضاع گذشته سست تر می شود. اما در عین حال این زوزه های نابکارانه برای ما تسجی ندارد. باید بکوشید تا مهره های بازبهای سیاسی آینده خود را بهر نحو که شده، از زیر ضربه خارج کنید. تسجیب و حیرت ما از گمان و عواملی است که در داخل کشور ما، بی توجه به رسمهای تاریخ و برخلاف اسلام واقعی، و گاه به نام اخلاق و انسانیت، و گاه به نام «دین اسلامی» و «فضیلت عفو و بخشایش»، دانسته یا ندانسته ولی عملاً در همین راه گام برمی دارند. اینها با دل نازکی و دل نرمی و ابراز دلسوزی برای سیاهکاران می خواهند انقلاب ایران را در نیمه راه متوقف سازند و این کار را هم به نام «پیروی از سنت اسلامی عفو و گذشت» انجام می دهند.

خطر را حس می کردند، قلم به دست گرفتند نظیر آقای مهدی بهشتی بود، که از مدافعان پر سابقه صنایع ملی و مادر پولاد در ایرانست و مقالات مفصل و تحقیقی انتشار دادند. همه اینها نشان بیداری و آگاهی بود، معلوم شد که در یکی از حساس ترین مسائل، که کسب استقلال اقتصادی و رهائی از وابستگی به اقتصاد مونتاز است، افکار عمومی و میهن پرستان بی تفاوت نیستند و به فوریت عکس العمل کرد از یک دستاورد بزرگ و از یک آرزوی ملی دفاع می کنند و برای قطع تمام رشته های نواستعمار و وابستگی می کوشند.

در چنین شرایطی، جای شگفتی نیست اگر تجدید مطلع از جانت آقای نخست وزیر، که عملاً در جهت تخطئه ذوب آهن و غیر اقتصادی جلوه دادن آن بود، لااقل حیرت انگیز تلقی شود. در زمانی که دولتی به دنبال انقلاب ضد امپریالیستی به روی کار آمده، انتظار عمومی آنست که راه استقلال اقتصادی و توسعه سالم و متکی به خود اقتصادی در پیش گرفته شود و از بیراهه هائی که نواستعمار پیش پای کشورهای در حال رشد می گذارد، هشیارانه اجتناب گردد.

برای امپریالیست ها چه بهتر آن که کشورهای نظیر ما همیشه نیازمند آنها بمانند و صنایع مادر در آن ها ایجاد نشود. مگر نه آنست که از نیمه اول قرن گذشته، در زمان عباس میرزا و در نیمه دوم قرن، به هنگام امین الشرب مانع ایجاد چنین پایه های شدنی؟ مگر نه اینست که انواع مستشاران و متخصصان و وزراء و سفیران آن ها از امریکا و انگلستان و آلمان و غیره، در امر ایجاد ذوب آهن سال های متداری کارشنکی کردند و همچنین بهانه ها را بارها و بارها تکرار کردند؟

چه اسراری است و چه چیزی پشت پرده است که می خواهند واقعیات را در گروته جلوه دهند؟ آیا نا آگاهی و عدم توجه به ارقام و بیلان ها و برنامه ها می تواند تنایه استدلال با امثال انصاری ها و مجیدی ها و ارهاردها را توجیه کند؟ چرا سخنی از سه میلیارد تومان ضرر می کنند، در حالی که به نوشته شورای نامبرده، ۳۳۳ میلیون تومان بابت اصل و بهره سرمایه در گردش، به بانک ملی برگشت داده شده و ۵۱ میلیون تومان مالیات حقوق به وزارت دارائی پرداخت شده و در مقابل ۱۷ میلیون تومان گسری داشته است؟ مگر در همه جای دنیا چنین صنایع عظیمی، تا هنگامی که به سطح معینی از رشد و درجه مطلوبی از گسترش نرسند، وضع چگونه است؟ و مگر میهن دوستان می توانند از اصل عمده ایجاد صنایع مادر و به کار گماشتن ده ها هزار کارگر و ایجاد اینهمه تاسیسات معدنی و حمل و نقل و ساختمانی جنبی چشم پوشی کنند؟ در کنار ذوب آهن ایران، درست به خاطر آن که از وابستگی امپریالیستی برکنار و صنعتی بود بواقع مادر و اصل، ده ها معدن کشف و استخراج شد و شبکه راه آهن به نسبت ۲۵ درصد گسترش یافت، راه های شوسه و پلها و شهرکها و وساکن ساخته شد و مراکز متعدد آموزشی برای تربیت مهندسان و تکنیسین های ایرانی به منظور ایجاد کادر ملی و بی نیازی از متخصص خارجی تاسیس گردید. همه اینها، به رغم هزاران دسیسه و هزاران مانعی که دستگاه جبار پهلوی ایجاد می کرد و به رغم قانده خلع الساعادی که به سود رضائی ها و

خبر آقایان! ما از تاریخ گذشته با چیزیها آموخته ایم. تاریخ مشروطیت اینک در جلوه روی ما است. در آن وقت نژودالیزم قبیله ای و نماینده اشرفیت لیبرالی، همانطور که اینک شما می خواهید، عمل کرد. آن ها به قتل «داود پیراوان»، سر دست فراموسن سالی ایرانی، با کرم و بخشایش و بزرگواری نسبت به نگاه کاران عمل کردند و ریشه های فساد را به جای خود باقی گذاشتند و از همین ریشه های زهر آگین بود که سرانجام درخت سلطنت تنگین و خون آشام پهلوی در ایران سرکشید تا ایران و ایرانی را به بردگی بکشاند.

شما خوب می دانید و ماهم خوب می دانیم که پایه سلطنت پهلوی - پهلوی نوعی - ندر او اخر دهه دوم این قرن بلکه در همان دهه اول این قرن، و به علت همین «گذشت از گناه گنه کاران»، به تدریج استوار شد و اسارت پنجاه و شش ساله مردم ایران نتیجه نامیوس همان «عفو گنه کاران» است. ما نمی خواهیم و نباید اجازه دهیم که به نام «ترجم نسبت به گنه کاران»، زمینه اسارت مردم میهن ما و شکست انقلاب بزرگ ما فراهم شود. ما هر گونه ترجمی نسبت به این سیاهکاران و این عاملین گوش به فرمان زور را پتکی می دانیم که بفرق انقلاب بزرگ ما فرو می آید. و برعکس هر مهره ای که از دست جهانخواران امپریالیست گرفته شود، به همان اندازه زمینه اعاده اوضاع گذشته سست تر می شود. اما در عین حال این زوزه های نابکارانه برای ما تسجی ندارد. باید بکوشید تا مهره های بازبهای سیاسی آینده خود را بهر نحو که شده، از زیر ضربه خارج کنید. تسجیب و حیرت ما از گمان و عواملی است که در داخل کشور ما، بی توجه به رسمهای تاریخ و برخلاف اسلام واقعی، و گاه به نام اخلاق و انسانیت، و گاه به نام «دین اسلامی» و «فضیلت عفو و بخشایش»، دانسته یا ندانسته ولی عملاً در همین راه گام برمی دارند. اینها با دل نازکی و دل نرمی و ابراز دلسوزی برای سیاهکاران می خواهند انقلاب ایران را در نیمه راه متوقف سازند و این کار را هم به نام «پیروی از سنت اسلامی عفو و گذشت» انجام می دهند.

قرارداد دوجانبه نظامی... شدن اینگونه مسائل را به حداقل برسانند. اما آنچه که قطعی است اینست که بسیاری از این قراردادها به نفع ما نیست و لغو خواهد شد.

این اظهارات آقای وزیر خارجه مطالب چندی را مطرح می سازد: نخست اینکه، از نظر وزارت خارجه، برخی از قراردادهای نظامی، که با دولت امریکا و یا با انحصارات سلطنتی بسته شده، ممکن است به نفع ما باشد. یک چنین نظری در واقع عجیب و غریب است. آیا می توان، حتی به صورت فرضی، تصور کرد که قراردادی در مورد مستشاران نظامی و یا خریدهای اسلحه و به طور کلی در زمینه امور نظامی با ایالات متحده امریکا و یا با انحصارات سلطنتی سازی منعقد شده باشد که «به نفع ما» باشد؟ بدیهی است که نه! آیا می توان، حتی خیال پردازانه، فرض کرد که فلان گروه نظامی امریکا، چه به عنوان مشاور و چه به عنوان کارشناس و یا هر نام دیگری، برای اداره ارتش «ژاندارم منطقه امپریالیسم امریکا» به ایران گسیل شده باشند و آن ها ماموریت یافته باشند که «به نفع ما» کار کنند و یا این که خرید فلان اسلحه از امریکا به نفع ما» بوده است؟ البته نه، هزار بار نه، به تعداد قراردادهای نظامی که با دولت امریکا و انحصارات سلطنتی سازی امریکا بسته شده، نه!

دوم اینکه، چرا قراردادهای نظامی که به نفع ما نیستند - همه آن ها به نفع ما نیستند - باید «تدریجاً» لغو شوند؟ این تدریج برای چیست؟ از نظر وزیر خارجه، برای اینست که باید با انحصارات سلطنتی سازی فروشنده اسلحه وارد دعوی حقوقی شد، وکیل و مشاور حقوقی داشت، تا طبق قوانین حقوقی امریکا ثابت کرد که قرار داد قابل لغو است. اگر فرض کنیم که این نظر در مورد قراردادهای خرید و فروش اسلحه صدق می کند، در مورد قراردادهای که با دولت امریکا و وزارت جنگ امریکا بسته شده که صدق نمی کند، در زمان شاه

بی ریشه و وابسته اهواز و بانک شریارش وضع می شد، به دست آمده است. خوشبختانه مردم ایران بهوشند و بفوریت صدای زنگ خطر را شنیدند. آن ها از مجتمعی که تمام مراحل تولید را داراست و در سطح پیشرفته ترین واحدهای ممتاز است دفاع کردند و صلاح کشور را در تقویت و گسترش آن دانستند.

پرفسور مکرری، سفیر تازه ایران در شوروی، که قبل از سفر، با رهبر انقلاب، امام خمینی، دیدار نموده، در مصاحبه اخیر خود ضرورت توسعه مجتمع ذوب آهن اصفهان را از ۵۵۰ هزار تن فعلی تا ۸ میلیون تن خاطر نشان ساخته و درباره ادامه مذاکرات در این جهت با دولت شوروی و ادامه و تمیق همکاری های ترمبش در این زمینه سخن رانده است.

ما از مشی درست حفظ و تحکیم استقلال ملی در زمینه اقتصادی، کوتاه کردن دست انحصارات امپریالیستی، ایجاد صنایع مادر و رشته های تعیین کننده تربیت کادرهای متخصص ایرانی، رشد منظم و سالم اقتصاد بر شالوده صنایع سنگین، که میهن ما امکان ایجاد آن را بفراوانی دارد، هستیم. دفاع از صنایع فولاد ایران جزء جدانشدنی از... است. دست و جویگویی نیازها و

به پخش هر چه وسیع تر (مردم) کمک کنید

کمک به توزیع و پخش هر چه وسیع تر روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی و مترقی است. از کلیه دوستان، هواداران و داوطلبان که برای پیشبرد این هدف، در هر نقطه از تهران یا اینک از شهرها و روستاها، امکاناتی دارند، تقاضا داریم با دفتر مرکزی

کمک به توزیع و پخش هر چه وسیع تر روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی و مترقی است. از کلیه دوستان، هواداران و داوطلبان که برای پیشبرد این هدف، در هر نقطه از تهران یا اینک از شهرها و روستاها، امکاناتی دارند، تقاضا داریم با دفتر مرکزی

تحصن کارگران بتون آرمه

گروهی از کارگران شرکت بتون آرمه، که از کار کنار گذاشته شدهاند، در دفتر شرکت تحصن اختیار کردند. نمایندگان کارگران تحصن برای ایجاد رابطه که بازگشت کارگران اخراجی به سر کار را امکانپذیر کند، با مسئولان شرکت سرگرم مذاکره اند. یکی از کارگران اظهار داشت که: «شرکت بتون آرمه از چند ماه پیش، بدون عذر موجه و بی آنکه با ما تسویه حساب کند، جوابمان کرده است. شرکت در آن موقع مدعی بود که به سبب انقلاب، کارهای ساختمانی خوابیده و وضع مالی شرکت بهم ریخته است، اما حالا که امور ساختمانی دوباره رونق گرفته، این بهانه را دیگر چگونه می توان عنوان کرد؟»

دعوت از کارکنان شرکت های ساختمانی

کارکنان شرکت های ساختمانی تهران و حومه، برای انتخاب هیات مدیره و تصویب اساسنامه خود، ساعت ۳ بهدازظهر پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه، تشکیل جلسه می دهند. اساسنامه کارکنان شرکت های ساختمانی توسط هیات مؤسس تهیه شده است. هیات مؤسس محل اجتماع را خیابان لاله زار، چهارراه کنت، پاساژ صدری (طبقه دوم) اعلام کرده است.

شورای کارکنان کارخانه چیت سازی تهران اداره کارخانه را به عهده گرفته است

در کارخانه چیت سازی تهران، حدود ۲۰۰۰ کارگر کار می کنند. این رقم قبل از اعتصاب و تحصن بزرگ کارگران در اردیبهشت ماه ۱۳۵۵، بالغ بر سه هزار نفر بود که در جریان اعتصاب، هزار نفر از کارگران، به واسطه سر باز زدن از سربدن تمهید مبنی بر خودداری از ادامه مبارزه، اخراج شدند.

پس از پیروزی قیام بهمن ماه، کمیته ای متشکل بر ۴۰ کارگر، که از جانب همه کارگران انتخاب شده بودند، جهت رسیدگی به وضع کارگران و کارخانه تشکیل شد. کمیته مذکور در نخستین مراحل بررسی خود متوجه شد که نام ۲۵۰ نفر در لیست حقوق بگیران کارخانه وجود دارد که کسی آن ها را نمی شناسد و معلوم نبود که چه کسانی تحت این عنوان، طی سال ها، از بودجه کارخانه حقوق های گراف می گرفته اند. مجموعی میلی که در سال به این اشخاص پرداخت می شده، بالغ بر چهارده میلیون تومان بوده، که اگر به تساوی بین کارکنان واقعی کارخانه تقسیم شود، به هر یک ماهانه ۴۶۶۰ تومان می رسد و این گوشه ای از فساد و غارتگری عمال رژیم سابق را نشان می دهد. کمیته به تهیه فهرستی از عمال ساواک و جاسوسان کارخانه پرداخت تا نسبت به اخراج آن ها اقدام شود.

به دنبال تشکیل شورای کارگران در کارخانه چیت سازی قائم شهر (شاهی سابق)، کارگران این کارخانه نیز تصمیم گرفتند، شورای کارخانه خود را به وجود آورند. بدین منظور از میان ۴۰ نماینده فوق ۱۵ نفر را برای شورا انتخاب کردند، که از میان آن ها ۴ نفر به عنوان اعضای اصلی شورا، همراه با یک نماینده از کارمندان و نیز معاون سازمان کسرترا مالکیت صنعتی، انتخاب شدند.

اعضای شورا، مدیریت کارخانه را به عهده گرفتند. شورا از بدو فعالیت، تسویه محیط کارخانه را از عمال ساواک و رژیم سابق آغاز کرد. سرهنگ خواجهری، رئیس کل انتظامات کارخانه، دستگیر و تحویل کمیته امام داده شد. عمده ای دیگر از عمال ساواک، که در مقام های مسئول و مدیریت کارخانه لانه کرده بودند، اخراج شدند. هم اکنون کلیه امور کارخانه، اعم از امور تولید و فروش و حسابداری را، شورا اداره می کند. شورا برای یاری به امر انقلاب، از کارگران خواسته است که تولید را ۵۰ درصد افزایش دهند. کارگران مسمماند با کار و کوشش منظم خود، اداره صحیح کارخانه، زیر نظر مدیریت شورای مذکور، نشان دهند که کارگران و زحمتکشان، برخلاف تصور برخی از مقامات دولتی، کاملا توانایی اداره مؤسسات تولیدی خود را دارند و بهتر از هر کسی می توانند به امر بنیان گذاری یک اقتصاد سالم و مولد یاری رسانند.

اقدام برای تأسیس سندیکای نقاشان ساختمان

کارگران نقاش ساختمان، به عنوان نخستین قدم عملی در تشکیل سندیکای خود، تصمیم گرفتند پیش نویس اساسنامه سندیکا را تهیه و بین کارگران توزیع کنند. این تصمیم در جلسه پنجشنبه گذشته کارگران نقاش، که در محل خانه کارگر تشکیل گردیده، گرفته شد. در این جلسه، صد ها کارگر نقاش شرکت داشتند و تأکید کردند که محتوی اساسنامه سندیکا باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد، از این رو مطالعه سطر سطر آن توسط

با انحصارهای خارجی و...

در نتیجه استقلال سیاسی واقعی میهن ما امکان ناپیدا نیست. به همین جهت برانداختن نفوذ و تسلط اقتصادی انحصارهای خارجی و سرمایه داران بزرگ داخلی، که خاندان رسوای پهلوی در رأس آنان قرار داشت، یکی از هدف های عمده انقلاب ایران و یکی از وظایف اساسی دولت موقت جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می دهد. دولت موقت جمهوری اسلامی ایران با طرد کسرسیوم بین المللی نفت و ملی کردن واقعی صنایع نفت، انای برخی از قرار داد های چندین میلیاردی خرید سلاح های جنگی، نیروگاه های اتمی و غیره، همراه با خروج از پیمان تجاوزی سنتو، گام بسیار بزرگی در راه تأمین استقلال اقتصادی و سیاسی کشور برداشت. مصادره «اموال» باقیمانده خاندان پهلوی در ایران، کوشش برای بازگرداندن ثروت های غارتی آنان از خارج و یا مصادره اموال غارتگرانی نظیر القابان و خرم نیز گام هایی است که در راه برانداختن نفوذ اقتصادی عمال امپریالیسم در ایران برداشته شد.

ولی متأسفانه باید گفت، با وجود این گام ها و اقدامات اولیه، که به جای خود مثبت و مورد تأیید و پشتیبانی تمام نیرو های انقلابی، از جمله حزب توده ایران است، روش و سیاست دولت موقت درباره پایان دادن به سلطه انحصارهای خارجی و سرمایه داران داخلی وابسته، که قسطن می تواند از راه ملی کردن بدون قید و شرط سرمایه های آنان انجام گیرد، هنوز مبهم و ناپیکار است.

اخبار کارگری



کارگران الزام آور است. جلسه بعدی کارگران به پنجشنبه آینده موکول شد.

خواست کارگران سازنده سد لار

صد ها کارگر شرکت ایتالیایی «امپرجیولوتا»، به عنوان اعتراض به جلوگیری از ادامه کار خود از طرف مسئولان شرکت، در دفتر شرکت تحصن شدند. این شرکت سازنده سد لار است و در حدود ۲۰۰۰ کارگر دارد، که بیش از نیمی از آن ها هندی و پاکستانی هستند. اخیراً به توصیه وزارت کار در مورد خاتمه کار خارجی ها در ایران، تعدادی از کارگران پاکستانی و هندی شرکت کنار گذاشته شده اند. یکی از کارگران تحصن، خواست ۴۰۰ همکار تحصن خود را این طور شرح داد:

«سه ماه زمستان هوا برای ادامه کار ساختمان سد مناسب نبود، به همین جهت کارگاه عملاً تعطیل شد. قرار شد در ۱۵ فروردین کار ساختمان از سر گرفته شود، اما وقتی در موعد مقرر به شرکت مراجعه کردیم، نمایندگان کارفرما به ما گفتند: «دیگر به وجودتان احتیاجی نیست». ما گفتیم جز کار، توقع دیگری نداریم و این توقع بیهی است، اما آن ها با لجباجت دست رد به سینه ما زدند. پس از مراجعه به وزارت کار، نماینده ای مأمور رسیدگی به خواست هایمان شد. او پس از رسیدگی اعلام کرد که خواست ها، کاملاً حقه و قانونی است و کارفرما را مکلف به پذیرفتن این خواست ها کرد، اما کارفرما همچنان لجباجت بخرج داد و از سربدن کار به ما خودداری کرد. برای ما راهی جز مبارزه باقی نماند. تحصن ما در جهت این مبارزه است که به ما تحمیل شده.»

این کارگر معترض تأکید کرد: «مگر دولت دستور نداده است که هیچ شرکت و کارخانه ای حق ندارد کارگران خود را اخراج کند؟ دولت نباید تنها به حرف قناعت کند، پشتیبانی عملی از ما کارگران هم لازم است.»

اعتصاب کارکنان شرکت امریکائی کداک

کارکنان شرکت کداک با خواست نظارت در امور شرکت، به کارگرفتن ایرانی ها به جای کارکنان خارجی و کاهش فاصله دستمزدها، دست به اعتصاب زدند. کارکنان اعتصابی، که ۱۳۵ نفرند، خواست های خود را در قطعه نامه ای گنجانده و در اختیار کارفرمای امریکائی خود قرار دادند.

اخبار دهقانی

مالکان بزرگ منطقه طالش مسلح می شوند

طبق اطلاع واصله چندین از مالکان بزرگ منطقه طالش (در خطه سرا)، که از فتودال های سابق اند، و با رژیم سرنگون شده پهلوی روابط نزدیک داشته اند، پس از انقلاب از کار دهقانان در زمین های خودشان جلوگیری می کنند و ادعای مالکیت زمین های آن ها را دارند. این عناصر با اعمال نفوذ خود مانع رسیدگی به شکایات دهقانان می شوند. علاوه بر این گفته می شود که مالکان این منطقه گروه مسلحی تشکیل داده اند و دهقانان را تهدید می کنند. روستائیان منطقه، از مقامات مربوطه جداً طلب می کنند که به وضع آن ها رسیدگی شود و برای احقاق حقوق پایمال شده آنان اقدامات فوری به عمل آید.

تعیین سرنوشت نهایی قراردادهای با کشورها و انحصارهای امپریالیستی به بررسی یکایک این قراردادهای موکول شده است. درباره سرمایه داران بزرگی که در آستانه انقلاب و یا پس از آن مبالغ هنگفتی از ثروت های بادآورده خود را از کشور خارج کرده و به بانک های بیگانه سپرده و خود نیز از ایران فرار کرده اند، تصمیم روشن و قاطعی اتخاذ نشده است. گام مسئله ملی کردن واحدهای تولیدی و موسسات بانکی سرمایه داران بزرگ به تصویب قانون اساسی جدید موکول می گردد، گام حتی از سرمایه داران بزرگی نظیر علی رضائی، که پس از غارت بی پروای ثروت های ملی و تاراج زحمتکشان ایران همراه باده ها و صد ها میلیون دلار از کشور متواری شده اند، برای بازگشت به ایران و تجدید فعالیت اقتصادی (یعنی غارت بازم بیشتر) دعوت به عمل می آید و برای اطمینان این خائنان وعده تضمین مال و جان به آنان داده می شود.

طبیعی است که مباحثات با چپاولگران داخلی و خارجی، که یکی از سرخست ترین پشتیبانان و ارتجاعی ترین پایگاه های اجتماعی رژیم جنایت کار و خیانت پیشه پهلوی بوده اند، نمی تواند با آمال انقلابی مردم ستندیده و با روح انقلاب بزرگی که با اثار خون ده ها هزار شهید به پیروزی رسیده سازگار باشد.

تدابیری که از طرف دولت موقت برای سروسامان دادن به اقتصاد کشور به عمل آمده است، هنوز بسیاری از واحدهای تولیدی در حال تعطیل هستند. سرمایه داران بزرگ وابسته در کار تولید و توزیع کار شکنی می کنند. بیگاری و گرانی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند، انحصار های خارجی هنوز پایگاه های مهمی در اقتصاد کشور دارند و به خریداری خود ادامه می دهند. تازمانی که با این غارتگران و خرابکاران داخلی و خارجی مبارزه پیگیر و قاطع انجام نگردد، دست آنان از راه ملی کردن موسسات و سرمایه های آنان برای همیشه از اقتصاد کشور قطع نگردد، پیروزی یک اقتصاد سالم و نیرومند و مستقل کاری بس دشوار و حتی نامیسر خواهد بود.

حزب توده ایران، که در راه ایران آزاد، آباد، مستقل و پویا مبارزه می کند، در شازدهمین پلنوم کمیته مرکزی خود، همراه با برنامه های مشخصی در زمینه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، پیشنهاد های روشنی نیز درباره لغو قراردادهای اسارت آور و با انحصارها و کشورهای امپریالیستی و کوتاه کردن دست غارتگران داخلی و خارجی ارائه کرده است، که در زمان خود به طور وسیع در اختیار همه نیروها و محافل اجتماعی گذارده شده است.

ما در اینجا بار دیگر پیشنهاد های مشخصی حزب توده ایران را در این زمینه به آگاهی خوانندگان عزیز می رسانیم:

۱) ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم از کلیه شئون اقتصادی کشور، از طریق انای کلیه قراردادهای اسارت آور؛

در این قطعه نامه تعیین حقوق عادلانه برای کارکنان کداک تقاضا شده است. نماینده کارکنان اعتصابی کداک در توضیح مندرجات قطعه نامه گفت: «شرکت ما به طور کلی یک شرکت امریکائی است. این شرکت در دوران طاغوت تا توانست زور گفت و استثمار کرد و خواست ها و اغراض سودجویانه اش را به کارمندان و کارگران زحمتکش شرکت دیکته نمود. مدیران شرکت پس از انقلاب به بهانه زیان مالی، در صدد برآمدند تا تعدادی از کارکنان را اخراج کنند، اما کارکنان با یکپارچگی در برابر این استبدادمنشی ایستادند و ثابت کردند که شرکت نه تنها زیان نمی دهد، بلکه در وضع مالی بسیار خوبی هم هست. آن ها تنها در شش ماه گذشته ۳ بار خودسرانه بهای اجناس را بالا برده اند و قیمت ها را به دلخواه به بازار تحمیل کرده اند، اما بهمین تکفأ نکرده اند. آن ها با استفاده از شرایط پریشان دوران انقلاب، قسمتی از اجناس را به دلال ها فروخته اند، که این خود در گرانی بیشتر کالا و اجناس به مصرف کننده نقش زیادی دارد.»

نماینده کارکنان اعتصابی افزود: «پادرمیانی وزارت کار تاکنون در پایان دادن به شرایط ناهنجار کنونی شرکت نتیجه نداشته است. وزارت کار توصیه کرده است که از طریق مذاکره با مدیران شرکت مشکلات را حل کنیم، اما مشکل اصلی ما خود مدیران شرکت هستند.»

اعتصاب و تحصن ملوانان و کارگران کشتیرانی آریا

در حدود ۷۰۰ تن از ملوانان، کارگران روزمزد و رسمی و نخبه یاران شرکت کشتیرانی آریا در خرمشهر از صبح چهارشنبه گذشته دست به تحصن زدند. نماینده کارکنان تحصن اعلام کرد که: «چون کوشش شتوایی برای شنیدن خواست های حقه ما وجود ندارد، به سر کار باز نخواهیم گشت.»

نماینده تحصن کنندگان افزود: «بهما کمترین توجهی نمی شود. با وجود کار شاقی که داریم، از مزایایی که دیگر کارگران از آن برخوردارند، محرومیم. به ما حق خواربار، بدی آب و هوا، پانداش سالانه و حق مسکن نمی دهند. این تمییز و بی عدالتی باید از میان برداشته شود. ما زیاد طلب نیستیم، چیزی بیشتر از ابتدائی ترین امکان برای ادامه زندگی خود نمی خواهیم.»

پس از دو روز تحصن و اعتصاب، خواست های کارگران و ملوانان مورد موافقت مدیرعامل شرکت قرار گرفت و اعتصابیون به سر کار خود باز گشتند.

هم زمان با اعتصاب و تحصن ملوانان و کارگران در خرمشهر، ۸۰ تن از کارکنان شعبه کشتیرانی آریا، در بندرعباس، نیز در محل شرکت تحصن اختیار کردند. آن ها خواستار برکناری رئیس شرکت و جایگزین شدن افراد ایرانی به جای کارکنان خارجی هستند. اعتصاب کنندگان تقاضا کرده اند که از سوی مدیرعامل شرکت، نماینده ای برای مذاکره با آن ها و انجام تقاضایشان اعزام شود.

خواست های کارگران کارخانه پنبه و روغن کردکوی

کارگران کارخانه پنبه و روغن کردکوی در پاسخ دعوت بحق امام خمینی، به اقدام برای سازندگی اقتصاد فلیج شده خود، به کار بازگشته اند، ولی به مبارزه برای تحقق کلیه خواست های که قبلاً مطرح کرده بودند، ادامه می دهند.

- کارگران این کارخانه در تاریخ ۸ فروردین ماه سال جاری، خواست های خود را بدین شرح اعلام کرده بودند:
۱. تعویض مدیریت فاسد کارخانه،
۲. به رسمیت شناختن حق تشکیل سندیکا برای کارگران،
۳. دائمی کردن کارگران فسلی و بیمه آنان،
۴. بازگشت کارگران اخراجی به کارخانه،
۵. کاهش ساعت روزانه از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت،
۶. پرداخت حقوق و مزایا و سود ویژه معوقه،
۷. ایجاد سالن غذاخوری و نمازخانه،
۸. تهیه وسایل ایمنی و بهداشتی برای کارگران،
۹. بازگشت افرادی که به هنگام حادثه در موقع کار ناقص المعنوی اخراج شده بودند و گماشتن آنان به کار متناسب با وضع جسمانی آن ها،
۱۰. پرداخت حق اولاد توسط کارفرما.
کارگران تصمیم دارند تا پیروزی نهایی دست از مبارزه نکشند و امیدوارند که کارفرما کلیه حقوق قانونی و انسانی آنان را به رسمیت بشناسد و برخلاف گذشته دیگر به اعمال شد کارگری و متخرب دست نزند و با ادامه چنین اعمالی، در چنین لحظه حساسی، کارگران را به واکنش های شدید وادار نکند.

قابل توجه ناشران

مدتی است که ناشران، افزودن موسسات گوناگون، انتشارات حزب توده ایران را، بدون موافقت و اجازه حزب، تجدید چاپ می کنند و به فروش می رسانند. بدین وسیله به اطلاع همگان و به ویژه ناشران می رساند که تجدید چاپ، بخش و فروش انتشارات حزب توده ایران، بدون موافقت و اجازه کتبی حزب ممنوع است. از کسانی که تاکنون انتشارات حزب توده ایران را تجدید چاپ کرده و به فروش رسانده اند، خواهشمند است که برای روشن ساختن وضع حقوقی و مالی آنچه که تاکنون توسط آن ها انتشار یافته، به دفتر «مردم» مراجعه کنند. ناشرانی هم که میل دارند انتشارات حزب توده ایران را چاپ و یا تجدید چاپ کنند، باید برای کسب موافقت و اجازه-حزب به دفتر «مردم» مراجعه کنند. امیدواریم این خواست قانونی مورد توجه همه علاقمندان به انتشارات حزب توده ایران قرار گیرد. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

آگهی انتشار:

از این پس «مردم» سه شماره در هفته: شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود

یاد شهیدان حزب را گرامی بداریم



حزب توده ایران در راه آرمان‌های طبقه کارگر و خلق زحمتکش، در راه آزادی و استقلال ایران قربانی‌ها داده است نام برخی از این جانبازان را همه بدانند، ولی نام بعضی از آنان تازه باید با گوش‌ها آشنا گردد و نام عده‌ای دیگر تازه دارد کشف می‌شود و یا باید کشف شود.

«مردم»، با کمک اعضا، هواداران و دوستان حزب و همه میهن‌پرستان و آزادی‌خواهان ایران، می‌کوشد مردم را به تدریج با این نام‌های کم شناخته شده و یا ناشناس آشنا کند. باشد که خاطره تابناک این زمامداران شهید نیز جاویدان گردد و زندگی و پیکار و شهادت آنان نیز سرمشق ادامه‌دهندگان راهشان شود.

سعید محمدعلیزاده در سال ۱۳۴۸، در بخش شستر، زادگاه معجز رزمجو، در خانواده‌ای متوسط الحال چشم به جهان گشود. پس از پایان تحصیلات دبیرستانی، در سال ۱۳۴۸ وارد دانشگاه تبریز گردید و در سال ۱۳۵۲ در رشته فیزیک فارغ التحصیل شد. سعید از آغاز ورود به دانشگاه به صورت جستجوگری خلاق بجزئیات متفاوت انقلابی نزدیک شد. در اواخر سال ۱۳۵۱ بدره‌های پیک ایران - بانگ رسای حزب توده ایران - و جزوات و نشریات حزبی در فروغ وجدانش به صورت درختی تناور بالید و از سعید شخصیت جدیدی، مسلح به تئوری مارکسیسم - لنینیسم و عشق و ایمان به توده‌های خلق سربرکشید. سعید در حزب توده ایران زندگی جدیدش را آغاز کرد.

«حزب ما خرد، افتخار و وجدان‌بیدار دوران ماست. این وظیفه ماست که در راه تاملین و حفظ استحکام، یک‌پارچگی، پیگیری و پاک‌پیکاری حزبمان بکوشیم. این ماییم که باید عنوان، اهمیت و اعتبار عضویت حزب را با تلاش بی‌امانمان بالا، بالا و بالاتر ببریم.»

این سخنان لنین مکرر در مکرر بر لبانش جاری بود تا این که در همان سال، مزدوران ساواک دستگیرش کردند، ولی به علت نیافتن مدرکی درخور، آزاد گردید.

پس از فراغت از تحصیل، سعید در لباس افسر وظیفه مشغول خدمت در آموزش و پرورش شهر میاندوآب شد، و به علت عشق بی‌پایانش به سر نوشت توده‌های رنجبر، اغلب اوقات خود را در مصاحبت و نزدیکی با اقشار محروم مردم می‌گذراند و مشا تمام بدبختی‌ها و فلاکت آن‌ها را با زبانی ساده برای‌شان بیان می‌کرد. سعید به توده‌ها باوری عظیم داشت و می‌دانست که وقتی آموزش‌های حزب - این رزمنده خردمند - در ذهن توده‌ها جا بگیرد، به قدرتی لایزال بدل می‌گردد. بشردوستی سوسیالیستی و شخصیت توده‌ای او، هنوز هم ورد زبان زحمتکشان دیارشان است. وقتی چند دهکده اطراف میاندوآب در محاصره سیل شدید قرار گرفت، سعید، این فرزند بلافضل حزب توده‌ها، به محض اطلاع از این موضوع، به نجات روستائیان شتافت و ۵ روز متوالی، همدوش خانه بدوشان دهات آذربایجان، با قهر طبیعت درآویخت. و همین مهر و عشق بی‌پایان به توده‌ها و نفرت و کین آگاهانه به طبقات ستمگر و رژیم جلاجل پهلوی کافی بود که در خیمان روز سیزده خرداد ۱۳۵۴، به بهانه شنا در زربینه رود، به زندگی این توده‌ای رزمجو و کوشنده و بی‌بالک خانه دهند.

زحمتکشان شستر در سوگش اندوهبار گریستند، چرا که سعید آموزگار کوشالی بود و قلبی با وسعت دریا داشت.

کدام نیروها علیه حزب توده ایران...

عمل خود می‌دانند، مبارزه کرده‌اند، شهید داده‌اند. و بحق در انقلاب پیروزمندان ایران سهمی دارند. برای ما این سؤال مطرح است که: این گروه‌ها چرا باید همان‌سازی را بنوازند که سالیان دراز سردمداران رژیم ناسد و فسادپرور محمدرضائی می‌نواخت و میکوشید در برابر آریابان خویش، خود را قهرمان ضد شوروی در مقیاس منطقه و خود قهرمان ضد توده‌ای در مقیاس ایران به‌قلم بدهد و با دستیاری سیا دستگاه ساواک را به وجود آورد، که بعدها هم سایه موساد سهجویستی بر سرش افتاد و گرگ‌های درنده ساواک را مامورشکار بهترین فرزندان خلق‌های میهن ما کرد، آنهم خون ریخت و آنهم خاندانها را بر باد داد! این‌ها چرا باید با اتخاذ روش‌های ضد توده‌ای و ضد شوروی در کنار هارترین جناح‌های امپریالیسم و بازماندگان رژیم سابق و گروه‌های مائوئیست و تروتسکیست قرار گیرند؟! چرا باید در ایجاد و تشدید جو ضد توده‌ای، یار و مددکار همان‌ها باشند که دیروز پاران آن‌ها را به مسلسل می‌پشتند؟ برای ما دشوار و ناگوار است باور کنیم که این گروه‌ها به‌عواقب وخیم راهی که در پیش گرفته‌اند، توجه دارند و دانسته و فهمیده این راه را برگزیده‌اند.

با وجود این به‌رحال این راه روش در عمل جز تولید نفاق و اختلاف در بین نیروهای راستین انقلاب، که عمده‌ترین وظیفه آن‌ها اتحاد عمل در برابر دشمن اصلی، یعنی امپریالیسم و بقایای رژیم خونخوار محمدرضائی است، چه نتیجه‌ای می‌تواند دربر داشته باشد؟

ما در یکی از حساس‌ترین لحظات و سر پیچ‌های مهم تاریخ ایران قرار داریم. دشمن در کمین است که دستاوردهای انقلاب را از ما برباید. با این که این دشمن خونخوار و سرسخت هنوز، چه در خارج از ایران و چه در داخل ایران، پایگاه‌های استواری دارد و یک لحظه از توطئه و دسیه علیه انقلاب پیروزمند ما باز نمی‌آیند، اما غلبه بر این دشمن، با همه نیرومندی‌آن، دشوار نیست. برنده‌ترین حربه در برابر این دشمن، اتحاد عمل تمام نیروها است. تفرقه و تشتت در بین نیروهای انقلابی، درست همان است که دشمن چشم امید به آن

«مدتها بود شرم نمی‌گفتم. اما این هدیه ناچیزی است از من به‌مردی که به‌نظم واقعا تجسم وجدان مردم بود»

ع. ج. دریا

بر مزار خسرو روزبه

یک لحظه هم به‌مردم تو باور نکرده‌ایم زیرا که نام پاک تو همیای زندگی است نام تو چون تجسم عصیان به‌بندگی است این نام را شهید! زسر در نکرده‌ایم

در دادگاه خلق تو به‌روز بوده‌ای نه دشمنان که ننگ به‌ارزان خریدند این کور دیدگان همه امروز دیده‌اند کمان شکست خورده، تو پیروز بوده‌ای

هر عضو حزب یاد تو با خوشی می‌برد هر زجر دیده نام تو تکرار می‌کند بر جاوداتی تو اقرار می‌کند هر دل که بر مزار تو امروز می‌طبد

نامت برای حزب تو اسم است و افتخار آن‌گونه‌ای که حزب تو را افتخار بود ای مرد جاودانه و ای جاودان سرود بر خیز و خلق را بنگر باز در کنار

یار اگره کند که بگوید ز ما گمی هر کشته‌ای به‌نام تو فریاد می‌کند آنجا که ظلم و فاجعه بیداد می‌کند تو روزبه! تجسم وجدان مردمی

خانه روزنامه «مردم» و دروغ‌پردازی...

ایران خاندای را که دفتر روزنامه «مردم» است، به مبلغ هنگفت چهارده میلیون تومان «خریداری کرده است». پس از چندروز رقم بهای خانه به اصطلاح خریداری شده در بالا بردند و آنرا از ۱۴ میلیون به ۱۷ میلیون افزایش دادند. سپس با زهر روز مبلنی بران افزودند تا قیمت را به دهها میلیون رساندند، و اگر سرعت این دروغ سازی با همین آهنگ پیش رود، باید انتظار داشت که در آینده نزدیک این رقم از مرز صد میلیون و شاید صدها میلیون نیز تجاوز کند!

کسانی که این دروغ‌ها را شایع می‌سازند و متأسفانه گاه برخی از افراد سرشناس نیز به‌خیل آن‌ها می‌پیوندند، می‌خواهند چنین جلوه دهند که گویا حزب توده ایران به منابع مالی سرشاره دسترسی دارد...

در این میان افراد ساده‌دل و زودبایوری که به دام این شایعه‌پردازان می‌افتند، پس از شنیدن این قبیل اکاذیب، گاه بدون اندک تلاش برای روشن کردن حقیقت، به واگویی آن‌ها می‌پردازند و بی‌آن که خود خواسته‌باشند، به رونق بازار شایعه سازی و پخش اکاذیب گمراه کننده، کمک می‌رسانند. و اما حقیقت چیست؟ حقیقت اینست که خانه دفتر روزنامه «مردم»، خانه‌ای است متعلق به آقای مهندس جمشید هرمز، یکی از شخصیت‌های آزادی‌خواه، که خود در معنیقه مالی است، یعنی مقروض است، و نوسازی ساختمانش هنوز به پایان نرسیده است. و ایشان خانه ناتمام خود را در مقابل ماهانه ۴۵ هزار تومان، به حزب توده ایران اجاره داده‌اند و حزب نیز متأسفانه تاکنون در پرداخت اجاره بهای آن با دشواری بسیار روبرو بوده است.

بدین‌سان برخلاف دعوی شایعه‌سازان، حزب توده ایران حتی فکر خرید خانه ۱۴ میلیون تومانی و بیشتر را برای دفتر روزنامه ارگان مرکزی خویش، حتی به‌خاطر هم خطور نداده و نمی‌تواند خطور دهد، زیرا از نظر مالی سخت در معنیقه است و به‌همین جهت از کلیه انقلابیون و آزادی‌خواهان، از همه عناصر ملی میهن پرست و ترقی‌خواه جامعه ایران تقاضای کمک کرده است، و بسیار خرسند است که تقاضایش تاکنون بی‌جواب نمانده است.

کار شایعه‌سازان باید خیلی خراب باشد که برای پیشبرد اغراض ناپاک خود و در تلاش عبث برای بدنام ساختن حزب توده ایران به چنین شایعات ناشایسته‌ای متوسل می‌شوند. اینان از مکس «فیل» می‌سازند و عاج چنین «فیلی» را به بازار شایعه‌سازی عرضه می‌دارند. ما از تمام افراد شریف و پاکدامن، از همه نیروهای میهن‌پرست و ترقی‌خواه و انقلابی انتظار داریم که هنگام برخورد با چنین شایعات پلیدی، وظیفه و مسئولیت وجدانی خود را از یاد نبرند و با کوشش برای تمیز راست از دروغ و روشن‌ساختن حقیقت دست رد به‌سینه فتنه‌انگیزان و شایعه‌سازان بدانند بکوبند.

رئیس دینی مسلمانان ماوراء قفقاز در اتحاد شوروی، پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی در ایران را تهنیت می‌گوید

شیخ الاسلام غضنفر ابراهیموف، رئیس دینی مسلمانان ماوراء قفقاز در اتحاد شوروی، طی مصاحبه‌ای اظهار داشت: «برای من و مسلمانان ماوراء قفقاز مایه مسرت و خوشبختی است که انقلاب مردم مسلمان ایران پیروز گردید و در این کشور همجوار ما جمهوری اسلامی استقرار یافت. ما مسلمانان شوروی موفقیت و شکوفائی مردم این کشور همسایه را در ساختمان زندگی نوین آرزو مندیم.»

شیخ الاسلام ابراهیموف، از روحانیون برجسته محافل اسلامی است و ریاست اداره دینی مسلمانان ماوراء قفقاز، یعنی آذربایجان، گرجستان و ارمنستان شوروی را به‌عهده دارد.

شیخ الاسلام غضنفر ابراهیموف اظهار داشت: «مسلمانان ماوراء قفقاز با علاقمندی به گرایش‌های صلح‌آمیز و سازنده در کشور همسایه خود ایران می‌نگرند و در این راه همه خلق‌های ایران موفقیت آرزو می‌کنند. آرمان‌هایی را که انقلاب ایران برای مردم بجا آورده، برای ما مردم آذربایجان بسیار آشناست. من دورانی را به‌خاطر دارم که منابع نفت کشور ما به وسیله انحصارات نفتی خازجی و احتیانه استثمار می‌شد. در آن زمان، در حالی که سودهای افسانه‌ای به بانک‌های اروپائی سرازیر می‌شد، کارگران صنایع نفت باکو، که تعداد کثیری کارگر ایرانی در میان آن‌ها بودند، با فقر و بدبختی دست‌به‌گریبان بودند. انقلاب در کشور ما ثروت‌های نفتی را به صاحبان آنان بازگرداند، همچنان که انقلاب در کشور ایران، دست غارتگران امپریالیستی و عاملین داخلی آن‌ها، یعنی رژیم خودفروخته را از منابع نفتی ایران کوتاه نمود و ثروت‌های طبیعی را در اختیار مردم کشور قرارداد.»

شیخ الاسلام ابراهیموف درباره تصمیم جمهوری اسلامی ایران در مورد قطع رابطه با اسرائیل و ابراز همستگی با خلق عرب فلسطین اظهار داشت: «این اقدام شرافتمندانه احترام و حیثیت جمهوری اسلامی ایران را در انظار مسلمانان و همه خلق‌های آزادیخواه جهان بالا می‌برد، زیرا هرگونه کمک و همکاری با صهیونیست‌ها، احساسات ملی و مذهبی برادران عرب را جریحه‌دار می‌سازد و در حکم توهین است به اسلام و اماکن مقدس اسلامی.»

علاقتمندی مسلمانان ماوراء قفقاز و همه خلق‌های کشور ما به پیروزی و شکوفائی انقلاب ایران، امریست طبیعی، زیرا ایران کشور همسایه ماست، که با مردم ما روابط سنتی دیرینه دارد. به‌ویژه ما خلق‌های نواحی قفقاز، از دیرباز با مردم ایران در همه زمینه‌های مذهبی، بازرگانی و فرهنگی روابط نزدیک و گسترده‌ای داشته‌ایم.»

شیخ الاسلام ابراهیموف در پایان مصاحبه خود گفت: «با استفاده از این فرصت، می‌خواهم بهترین تبریکات خود را به مردم و رهبر انقلاب ایران تقدیم دارم. ما همواره موفقیت ملت‌ایران را برای ایجاد زندگی نوین و پیروزی در راه انقلاب از خداوند مسئلت می‌کنیم و امیدواریم که دوستی و روابط حسن‌همجواری میان خلق‌های دو کشور ما استوار و برقرار باشد.»

امپریالیسم امریکا - خطرناک‌ترین... خشم و بی‌زاری دریافتند کس قتل ناچمردانه دو تن از شخصیت‌های سیاسی و مذهبی ایران محصول مستقیم توطئه امپریالیسم امریکا و عمل ایرانی آنست.

امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، با موضع‌گیری قاطع و روشن خود در افشاء منشاء واقعی این توطئه‌ها، یعنی امپریالیسم امریکا و اعمال ایرانی آن‌ها، و بطلان کلیه اتهاماتی را که در این زمینه از «چپ» و راست انجام گرفته و می‌گیرد، بار دیگر موضع اصولی و انقلابی رهبری انقلاب را تأکید کرده است.

گزارش مراسم بزرگداشت... کارگران، زحمتکشان، اعضا، هواداران و دوستان حزب توده ایران مزار شهدا را طواف می‌کنند، بر گورها گل می‌نشانند و در حالی که از کمیته امام در بهشت‌زهرا سپاسگراند که در حفظ نظم کمک ارزنده‌ای مبذول داشت، مراسم پایان می‌گیرد.

می‌آییم. پلاکاتی جلویم در حرکت است. عکس روزبه‌است. زیرش نوشته‌اند: نمیرم و نمیرند هر آنکس ره خلق گیرند کارگران، کنارم حرکت می‌کنند، می‌خوانند:

روزبه خودش یک قهرمان است برای خلق‌ها، عملش یک سرمشق است برای نسل جوان ما، آرمانش یک پرچم است برای طبقه ما، نامش یک نداست برای اتحاد و مبارزه همگی ما!

کسی دست پشانه‌ام می‌گذارد. نگاه می‌کنم. آه، این روزبه‌است. کنار من است. کنار همه است. دست روی شانه همه دارد و لبخند می‌زند. با من می‌آید. با ما می‌آید. می‌گویم: دستم را محکم بگیر رفیق روزبه! می‌آئیم و مردگان در رستاخیز گام‌هایمان بیدار می‌شوند. ما به‌فتح جهان نو می‌رویم.

تمام این توطئه‌های خائنه، تلاش‌های ننگین و اتهامات و افتراآت نفرت‌انگیز، که گاه در قیافه «چپ» و گاه در لباس راست انجام می‌گیرد، نشانه آنست که انقلاب ایران در داخل و خارج کشور دشمنان خطرناک بسیار دارد و امپریالیسم امریکا بزرگ‌ترین دشمن آنست. و همه این‌ها به نیروهای انقلابی هشدار می‌دهد که بایستی گسری در مبارزه و هشیاری در تمیز دوست از دشمن، و با اتحاد در برابر دشمن مشترک، باید توطئه‌های ضد انقلاب را عقیم گذارند. و سرانجام باید خرسند بود که

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دوستان حزب توده ایران، پرسش‌هایی در باره تاریخ حزب، سیاست حزب و مواضع حزب نسبت به مسائل گوناگون پیش می‌آید. از این پس روزنامه «مردم» ستونی می‌گشاید، زیر عنوان «پرسش‌ها و پاسخ‌ها» و در این ستون کوشش بعمل خواهد آمد به پرسش‌هایی که از طرف افراد مختلفی، به یکسان و یا تقریباً یکسان مطرح می‌شود، پاسخ داده شود.

از خوانندگان «مردم» و دوستان حزب خواهشمندیم پرسش‌های خود را به دفتر روزنامه مردم ارسال دارند.

تأیید کمیته‌های امام و...

این کمیته‌ها در لباس پاسداران انقلاب جان خویش را به خطر می‌اندازند. تا امکان توطئه را از ضدانقلاب سلب کنند و به‌بهای خواب و راحت خویش، آرامش کشور و هم‌میهنان خود را تأمین نمایند. چه‌بسا از این جوانان پرشور انقلابی، که در این چند ماهه اخیر، آماج کین دشمنان قرار گرفته و در دل تاریکی شب به‌ضرب گلوله‌های ضدانقلاب از پای درآمده و شهید شده‌اند.

تردید نیست که ضدانقلاب، و در رأس آن اعضای ساواک، از هر فرصتی برای سوختن روح انقلابیون، هم به‌منظور کسب اطلاعات و هم به‌منظور خرابکاری استفاده می‌کنند. کمیته‌های امام هم که یکی از ستون‌های انقلاب است، طبعاً از خطر نفوذ دشمن برکنار نمانده‌اند و عناصر ارتجاعی و ساواکی‌های مزدور و افسراد فرستاده به‌طور ناشناس، بدون این کمیته‌ها راه یافته و با ارتکاب اعمال منافی با روح منزه انقلاب، سعی در پندام ساختن کمیته‌ها کرده‌اند و اینجا و آنجا در کار دولت مشکلاتی پدید آورده‌اند. اما این یکی از شگردهای دشمن است که با نفوذ در ستون‌های استوار انقلاب، آن را ست کند، مردم را نسبت بدان بدبین و بی‌اعتماد سازد، به‌تدریج آن را از هم فرو پاشد و در شرایط مساعد، شریه قطعی را بر انقلاب وارد آورد. در مورد کمیته‌های امام هم ضدانقلاب در کار اجرای چنین نقشه‌ای است، که باید در برابر آن کاملاً هشیار بود.

در این که عناصر نامطلوب به‌درون کمیته‌ها راه یافته‌اند، تردیدی نیست و به همین علت هم، امام خمینی چندین بار تصفیه کمیته‌ها را توصیه نموده است. این توصیه امام خمینی، که به‌سود انقلاب و حفظ دستاوردهای آن است، باید بدون سامحه و تملل و با دقت انقلابی انجام شود: دست دشمن و عناصر فرستاده از کمیته‌ها قطع گردد و افراد فداکار و سیمیمی و انقلابی در عضویت کمیته‌ها باقی بمانند.

مصلحت انقلاب پاکسازی کامل کمیته‌ها را طلب می‌کند و این امر باید انجام گیرد. اما دشمن، که نه از نارسانه‌ها، بلکه تنها از قاطعیت کمیته‌های امام و نقش موثر آن‌ها در کشف، پی‌گیری و بازداشت عناصر وابسته به رژیم سابق خشمگین است، از یک سو آدم‌های خود را به‌منظور خراب‌کاری وارد کمیته‌ها کرده است و از سوی دیگر، با تبلیغ وسیع در باره نقائص کار کمیته‌ها و بزرگ جلوه دادن آن، می‌خواهد تیشه به‌ریشه آن‌ها بزند و این بازوهای توانا را از پیکر انقلاب جدا سازد، تا راه برای اهداف شوم آن هموار شود.

همانطور که امام خمینی یادآور شده است، تا زمانی که دولت بروضاع تسلط کافی ندارد و به‌علت دشواری‌های دوران گذار، نمی‌تواند وظایف خود را همه‌جانبه به‌انجام رساند، وجود کمیته‌ها ضروری است، باید آن‌ها را تقویت کرد و نه تضعیف. نخستین گام برای تقویت آن‌ها، پاکسازی آنان از عناصر ناباب و گرفتن حربه تبلیغ سوء و خصمانه، از دست دشمن است. حزب ما ضمن تأیید کمیته‌ها، خواستار تصفیه کامل آن‌ها از عناصر مخرب و استفاده جو است، تا ضدانقلاب نتواند سلاح زنگاریسته خود را علیه انقلاب به‌کار اندازد.

رویدادهای جهان

عموسام، سایه‌به‌سایه صهیونیسم

هرجا که رد خونین پای صهیونیسم و آثار تجاوزها و ویرانگری‌های آن مشهود است، آسان می‌توان سایه عموسام را دید. به‌دیگر سخن، عموسام در همه‌جا سایه‌به‌سایه صهیونیسم گام برمی‌دارد، حتی - و شگفت آن که - در مجمع جهانی بهداشت! همانطور که کاخ سفید، جنایات محمد رضا پهلوی را با پیام «بهرحال می‌بایست امنیت برقرار می‌شد»، تأیید می‌کرد، تجاوزهای وزینی اسرائیل را به سرزمین‌های عربی، بمباران و کشتار فلسطینی‌ها و مردم لبنان را نیز که جرمی به‌جز دفاع از استقلال، حاکمیت و حقوق مشروع و طبیعی خود ندارند، صحنه می‌گذارد و آنچه در این میان درخور تامل و شگفتی است، این است که آمریکا از ملت‌ها و اقوامی که در معرض تجاوزات و جنایات نظامات و افراد تحت حمایت او قرار می‌گیرند، متوقع است که زبان به‌اعتراض نگشایند!

آمریکا سازمان جهانی بهداشت را، که در ژنو تشکیل شده است، تهدید کرده که اگر کشورهای عرب در این اجلاس مجازات‌هایی را علیه اسرائیل در نظر گیرند، این سازمان را ترک خواهد کرد.

رئیس هیئت امریکا در ژنو این تهدید را پیش از آن که برای تبادل نظر به‌واشنگتن عزیمت کند، عنوان کرد.

همزمان با این تهدید، امریکا به‌منظور حمایت بی‌دریغ از اسرائیل، تبادل نظرهای خصوصی خود را در باره تقاضای تشکیل جلسه شورای امنیت از طرف لبنان به‌منظور بررسی وضع جنوب این کشور، آغاز کرد.

لبنان خواستار آن است که نیروهای سازمان ملل در این ناحیه، مأموریت خود را به‌طور کامل انجام دهند. غیر نظامیان مسلح راستگرا که زیر حمایت اسرائیل هستند، قسمی از نوار مرزی را متصرف شده‌اند و از انجام مأموریت نیروهای سازمان ملل معانت به‌عمل می‌آورند.

در زیر همین چتر حمایتی امریکا است که غیر نظامیان مسلح راستگرا یک شهر زیر نظارت فلسطینی‌ها را در جنوب لبنان گلوله‌باران کردند. ویرانی این گونه حمایت‌ها است که هرروز فجایعی تازه و تازه‌تر در سرزمین‌های مورد تجاوز تا تحت اشغال اسرائیل به‌وقوع می‌پیوندد. چنان‌که به‌گزارش آوسیتدیرس، مقامات لبنانی اعلام کردند که بر اثر انفجار یکی از بمب‌های خوشه‌ای، که در جریان حملات اخیر اسرائیل بر جنوب لبنان افکنده شده است، هشت کودک لبنانی به‌قتل رسیده‌اند و شش تن دیگر مجروح شده‌اند! به‌گزارش خبرگزاری فرانسه، در نواحی مرکزی جنوب لبنان نیز بر اثر بمباران‌های اخیر این ناحیه از طرف اسرائیل و نیروهای سرگرد سعد حداد، مزدور به‌اصطلاح لبنانی او، سه نفر به‌قتل رسیده‌اند و هفت تن دیگر زخمی شده‌اند.

از طرف دیگر تانویک، خبرگزاری یوسلاوی، اعلام کرد که اسرائیل زرهپوش‌های خود را به منطقه بنت جبیل، در داخل خاک لبنان، وارد کرده است. تانویک سپس تصریح کرد که مناجیم‌بگین بدین وسیله می‌خواهد لبنان را به‌پذیرش پیشنهادهای صلح مزورانه خود مجبور کند.

به‌گزارش خبرگزاری فرانسه، صهیونیست‌های اسرائیل، بندر صور و چندین شهرک لبنانی را زیر آتش گرفتند، در حالی که از طرف دیگر، شبه نظامیان مسیحی راستگرای، در جنوب این کشور به سرانجام هلندی پاسدار صلح سازمان ملل حمله کردند.

به‌گزارش آوسیتدیرس، در پی حملات دریایی و هوایی اسرائیل به لبنان، رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد، با نمایندگان امریکا و کویت در این شورا و همچنین نمایندگان هشت کشوری که در نیروی پاسدار صلح سازمان ملل در لبنان شرکت دارند، گفت و گو کرد.

الزهر «مسلمان» آب در آسیاب صهیونیسم می‌ریزد!

داستان توجیحات و تظاهرات «اسلامی» معاویه‌گونه در تاریخ تکرار می‌شود و برای این‌کار، پیغمبر اسلام و قرآن، زورانه مورد استناد قرار می‌گیرند! دانشجویان (مجبوب یا مرعوب) دانشگاه اسلامی الزهر، بی‌بایدی‌ای انتشار دادند و در آن پشتیبالی خود را از یمنان صلح سادات و اسرائیل اعلام کردند و «فتوی دادند» که این یمنان با دین اسلام بازگام است! در بیانیه الزهر همچنین اقدام خیانت‌آمیز سادات چنین توجیه شده است که پیامبر اسلام نیز یمنان‌های صلحی با دشمنان اسلام معتقد ساخت و قرآن نیز تجویز کرده است که به‌سود اسلام باید با دشمن صلح کرد!

لکن این‌گونه تلاش‌ها برای توجیه وتبرئه خیانت سادات بی‌فایده است و تحریم و اعلام محکومیت سادات از طرف جهان عرب همچنان ادامه دارد.

خبرگزاری فرانسه با استناد به نوشته روزنامه‌الرای، چاپ اردن، اعلام کرد که عربستان سعودی به‌زودی تصمیم خود را در مورد انصراف از تأمین مالی خرید هواپیماهای امریکایی از طرف مصر اعلام خواهد داشت. این روزنامه با استناد به قول منابع آگاه عرب در پاریس نوشت که این اقدام عربستان سعودی جزئی از سیاست تحریم رژیم سادات از طرف آن کشور است.

با اقدامات قاطع انقلابی...

پیچیده نشده است.

سخنگوی دولت رسماً اعلام کرده است که لیست ۵ تا ۸ هزار تن از افراد ساواک در اختیار دولت است وجود این عناصر تبهکار و آدمکش در میان مردم و فعالیت آزادانه آن‌ها خطر بزرگی برای انقلاب و دستاوردهای آن ایجاد می‌کند. رویدادهای دوران پس از انقلاب بروشنی نشان می‌دهد که عمال ساواک متحمله در اکثر توطئه‌ها، غائله‌ها، ترورها و تبهکاری‌ها مستقیماً دست دارند. این عناصر پیوسته با یکدیگر در تماس هستند و در واقع یک نوع تداوم و ادامه‌کاری سازمان منحور خود را حفظ کرده‌اند و برای فعالیت ضدانقلابی، زیر رهبری سیا، خود نقشه‌های منظم طرح می‌بزنند.

این دشمنان رژیم سرنگون‌شده را باید با قاطعیت انقلابی از میان مردم طرد کرد؛ باید با اقدامات قوری و بایاری گرفتن از توده‌های مردم هرچه سریع‌تر به‌فعالیت ضد انقلابی این عناصر پایان داد.

کمیته‌ها و دادگاه‌های انقلاب خوشبختانه به‌وظایف خود در این زمینه عمل می‌کنند، ولی خونسردی برخی مقامات مشول دولتی در قبال فعالیت آزادانه تبهکاران حرفه‌ای، طبعاً در میان مردم ایجاد شگفتی می‌کند.

در سراسر کشور کمترین خانواده‌ای را می‌توان یافت که درخیمان ساواک یکی از عزیزان آن‌ها را به‌قتل رسانده، زجر

به‌گزارش یونایتدپرس، دولت کویت نیز در ادامه تشدید مبارزات اقتصادی با مصر و به‌منظور اعتراض به یمنان اسارت‌بار سادات با بگین، اعلام کرد که مبلغ یک میلیارد دلار سیردهای بانکی خود را از بانک‌های مصری خارج خواهد کرد. واشنگتن پست ضمن انتشار این خبر با استناد به قول منابع آگاه امریکایی نوشت که این اقدام کویت که حاکی از تصمیم کشورهای عرب در باره تنبیه رژیم سادات است، در زمانی انجام می‌گیرد که عده‌ای از مقامات عالی رتبه امریکا خواستار کمک‌های فوری اقتصادی به مصر هستند.

هفته‌نامه الریاض، چاپ عربستان سعودی، نیز نوشت که سازمان کشورهای خلیج فارس، که در سال ۱۹۷۸ مبلغ یک میلیارد و هفتصد و چهل و پنج میلیون دلار برای توسعه اقتصادی مصر کمک کرده بود، دیگر کمک مالی خود را به رژیم سادات قطع کرد.

چین علیه سیاست تشنج‌زدایی وسوسه می‌کند

تنگ شیائوپینگ، که در این اواخر در مقام «عقل منصف» کاخ سفید ظاهر شده است، در باره امضای یمنان محدودیت سلاح‌های استراتژیک (۳ ساله) میان اتحاد شوروی و امریکا، به عادت دیرین سیاسی کرد.

تنگ شیائوپینگ به‌اصطلاح کمونیست، در گفت‌وگو با خبرنگاران امریکایی امپریالیست، که در امریکا بند داد که به‌چنین یمنان‌هایی اعتماد نکند! و شگفت آن‌که زاین سرمایه‌دار از یمنان ۳ ساله ستایش کرد! خبرگزاری آوسیتدیرس از تسوکیو گزارش داد که دولت ژاپن از انتقاد یمنان جدید محدودیت سلاح‌های استراتژیک (۳ ساله) ستایش کرد و گفت این یمنان گامی دیگر در جهت تأمین ثبات صلح جهانی است. دولت ژاپن ضمن صدور اعلامیه‌ای تصریح کرد که این یمنان، خلغ سلاح هسته‌ای را نزدیک‌تر کرده است.

و چین در سر آشوب سودهای عظمت طلبانه تندمی‌تازد

رویتز از مسکو گزارش داد که اتحاد شوروی اعلام کرد که زمامداران ماوولیت چین می‌گویند تا در گفت و گوهای صلح با ویتنام، که در هانوی جریان دارد، شروط خود را بر جمهوری سوسیالیستی ویتنام تحمیل کنند و این کشور را به اردوگاه کشورهای ضد سوسیالیست بکشانند. روزنامه پراودا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی، نوشت که رفتار هیئت نمایندگی چین در گفت و گوهای هانوی اثبات می‌کند که سرمداران ماوولیت یکن قصد دارند از این مذاکرات برای اعمال فشار برویتنام بهره‌گیرند.

از طرف دیگر دولت ویتنام سندی در باره جنایات جنگی چین در ویتنام انتشار داد. این سند از طاعون جدیدی سخن می‌گوید که جهان را تهدید می‌کند و آن «عظمت طلبی چینی» است.

یک وصلت نامیمون

رژیم «سوسیال دموکرات» آلمان فدرال دست‌اندرکار یک وصلت نامیمون با کابینه خانم تاجر است. هلموت اشمیت، صدر اعظم جمهوری فدرال آلمان، در سفر خود به لندن با نخست وزیر محافظه‌کار انگلیس گفت و گوهای رسمی به‌عمل می‌آورد.

به‌گفته مقامات آلمان فدرال و انگلستان، انتظار می‌رود که اشمیت و تاجر مسائل متقابل دو کشور و همچنین مسائل دفاعی، سیاسی و تجاری اروپا را مورد بررسی و بحث قرار دهند.

تاجر در نخستین سخنرانی خود جای هیچ‌گونه ابهام و تردیدی در سیاست میلیتاریستی خود باقی نگذاشت و قول داد که انگلستان نقش کامل خود را در مواجهه با «خطر نظامی» در اروپا ایفا خواهد کرد. وی ضمن اشاره به وجود منافع مشترک انگلیس و آلمان فدرال، گفت: دو کشور در زمینه «موازنه نظامی» میان شرق و غرب منافع مشترکی دارند. تاجر سپس موکداً اعلام کرد: «دولت وی قطعاً تصمیم دارد که قدرت نیروهای مسلح انگلیس را افزایش دهد».

خواستار تشنج‌زدایی و صلح هستند

روزنامه پراودا نوشت: «اکثریت قریب به‌اتفاق امریکاییان با تشنج‌زدایی و انتقاد یمنان جدید سالت موافق هستند، لکن در بعضی از محافل متنفذ می‌گویند تا امریکا را به راه‌های خطرناکی سوق دهند و سابقه تسلیحاتی را تشدید کنند.

زیر فشار افکار عمومی جهان، که از فشار هزینه‌ها و هیجانات روحی ناشی از مسابقات تسلیحاتی به‌سوء آمده است، بی‌اینه مشترکی درباره ملاقات لئوئید برژنف و جیمی کارتر به‌منظور امضای یمنان جدید محدودیت سلاح‌های استراتژیک تنظیم و آماده شد، که در یک زمان در مسکو و واشنگتن انتشار خواهد یافت.

رویتز در این مورد از واشنگتن گزارش داد که سران اتحاد شوروی و امریکا در ژوئن آینده برای امضای یمنان ۳ ساله در وین ملاقات خواهند کرد. رویتزر همچنین اعلام کرد که در این ملاقات، که برای نخستین بار میان برژنف و کارتر انجام می‌گیرد، علاوه بر امضای این یمنان، گفت و گوهای درباره مسائل جهانی و مشکلات موجود در روابط دو کشور به‌عمل خواهد آمد.

و شکنجه نکرده، به‌زندان نیفکنند یا برای سالیان دراز به‌درد دوری از میهن محکوم ناخته باشند.

مردم این جنایات سهمگین را هرگز براین نابکاران نخواهند بخشود و از دولت انتظار دارند که برای تعقیب و مجازات آنان، طبق همان لیستی که در اختیار دارد، اقدامات جدی به‌کار برد.

نمایشگاه به‌یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران با استقبال کم‌نظیر مردم روبه‌رو شده است

روز ۲۱ اردیبهشت، هم‌زمان با برگزاری مراسم سالگرد شهادت خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، نمایشگاه به‌یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران نیز افتتاح شد. نمایشگاه، از هجده ساعت افتتاح، با استقبال کم‌نظیری روبه‌رو شده و تاکنون نه‌فقط عده کثیری از مردم تهران، بلکه بسیاری از مردم شهرستان‌ها نیز از آن دیدن کرده‌اند و با زندگی و پیکار و شهادت مبارزان راه آزادی و استقلال ایران آشنا شده‌اند.

علاقه‌مندان می‌توانند تا روز ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، از ساعت ۱۵ تا ۱۹، در محفل دانشگاه صنعتی تهران، محوطه بین تالارها، از این نمایشگاه دیدن کنند.

انقلاب حکم می‌کند که...

طلبان. ارتش ایران، قبل از انقلاب، ارتشی بود ضد ملی و ضد خلقی، ماشین اعمال قهری بود بر خلق زحمتکش و آزادپخواهان و مأمور تحکیم سلطه رژیم دست نشانده پهلوی، سلطه امپریالیسم در ایران و نیز در منطقه.

دوباره سازی ارتش ضد ملی و ضد دموکراتیک، به‌یک ارتش ملی و دموکراتیک از مهم‌ترین وظایفی است که در برابر دولت جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. برای این دوباره‌سازی اقدامات همه‌جانبه‌ای ضرور است و مقدم بر همه تصفیه ارتش از عناصری که از سقوط رژیم دست‌نشانده پهلوی ناراضی‌اند، در صدد بازآفرین «گمشده» خویشند، در این راه فعالیت می‌کنند و گردهم می‌آیند، متشکل می‌شوند تا در فرصت مناسب چنگ‌اندازند.

تاکنون اقداماتی در جهت تصفیه ارتش انجام گرفته است. در این جهت نه‌فقط تعدادی از جنایتکاران ارتشی تیرباران شده‌اند، بلکه گروه نسبتاً بزرگی نیز از «امراء» - آنهایی که از غربال سیا و ساواک گذشته در مقامات عالی‌رتبه ارتشی گمارده شده بودند - از کاربرکنار شده‌اند. این‌ها اقداماتی بوده است لازم ولی ناکافی. تصفیه ارتش از عناصر ضدانقلابی - قطع نظر از درجه نظامی آن‌ها - باید ادامه

یابد. این کاری است که البته باید با دقت و ولی در عین حال با سرعت انجام داد به‌خطر تسهیل انجام آن باید گرایش‌ها، مترقی و دموکراتیکی را که خوشبختانه در ارتش نضح می‌گیرند، تقویت نمود. وزارت دفاع و ستاد ارتش می‌بایستی از یک کار تصفیه را هرچه قاطع‌تر دنبال کند و از سوی دیگر برای نمود گسترش تاملات مترقی و دموکراتیک در ارتش با اقدامات مشخص بکوشند. بدون این هر دو اقدام دوباره‌سازی ارتش، دگرسان ساختن آن به‌یک ارتش ملی و دموکراتیک ممکن نیست.

ارتش سابق ارتشی بود ضد انقلابی، به ارتش جدید باید ارتشی باشد انقلابی، به پشتیبان انقلاب ملی و دموکراتیک که با شکوهندی در کشور ما پیروز شده‌اند. از این دیدگاه نیز باید اولاً ارتش از عناصر ضد انقلابی به‌یک‌پا پاک شود و ارتش سیاسی گردد، از قید اطاعت کورکورانه برای همیشه رها گردد، در آن اطال آگاهانه و انضباط معنوی حکمروا شود. خلاصه دموکراتیزه شود. اگر روند دموکراتیزه کردن ارتش روندی است که خواه ناخواه زمان می‌مطلبد، جریان تصفیه ارتش از عناصر ضد انقلابی باید در کمترین زمان، سرعت و با قاطعیت انجام گیرد، زیرا - تصفیه ارتش از عناصر ضدانقلابی - قطع نظر از درجه نظامی آن‌ها - باید ادامه

سرسازی دولت توجیه ندارد

افکار عمومی از مسیر صحیح کمک کرده است. ضد انقلاب با سوء استفاده از شیوه نام درست سرسازی دولت و سکوت او، نیرو های راستین انقلاب را متهم به شرکت در این گونه توطئه های ناجوانمردانه و ضد انقلابی می کند، برای فتنه انگیزان و شایعه سازان میدان باز می ماند تا از هر حادثه تعبیرهای گوناگون کنند و بهر ترتیب که مایلند و علیه هر گروه و سازمان سیاسی که بخواهند، شایعه سازی نمایند و در نتیجه اذهان عمومی را به بیراهه و کجراهه بکشانند.

از این بدتر تاسف بارتر آنست که برخی از مقامات مسئول، نه تنها از توضیح لازم برای روشن شدن افکار عمومی دریغ می کنند، بلکه با اظهار نظره های نادرست و بی موقع بر ابهام قضیه می افزایند. مثلا در مورد ترور آیت الله مطهری، شخصیت مسئول مانند نخست وزیر، قبل از پایان تحقیقات در باره شناسائی متهمان و صدور مدارک قطعی دادگاه صالحه، ترور را به مارکیست ها نسبت داد، که این فتوای ناحق موجب سوء استفاده های فراوان شد.

انتظار مردم از دولت آنست که بیشتر احساس مسئولیت کند، افکار عمومی را در همه موارد در جریان صحیح رویدادها قرار دهد، مردم را بیگانه از دولت نداند و میان خود و مردم دیوار نکشد. مردمی که با آن فداکاری بی مانند انقلاب ایران را به پیروزی رساندند، بیش از هر کسی حق دارند که به موقع از ماجراهای پشت پرده آگاه شوند و ضد انقلاب را تحت هر نام و در هر لباسی بشناسند و سرکوب کنند. نباید مردم را در بی خبری نگه داشت و به شایعه های انقلابی آنان لطمه زد. مردمی که بهار آزادی را ارمغان آوردند، بهترین پاسداران آنند.

تجاوزکارانه آنها مایه بالارفتن تشنج جهانی است و آنچه این دار و دسته علیه ویتنام قهرمان انجام داده و می دهند نموداری است از ماهیت واقعی آنها. ملتی بلافاصله پس از جنگ دوم جهانی علیه سلطه امپریالیسم فرانسه به پا خاست. سال های متضادی فشار خردکننده جنگ را بردوش خود تحمل کرد، و آنگاه که فرانسه داشت بزانو درمی آمد، خود را با نیروهای مسلح امپریالیسم امریکا، که داعیه سرکردگی امپریالیسم جهانی را داشت و دارد، مواجه دید، سال های متضادی علیه این غول خونخوار دست و پنجه نرم کرد و با کمک همه جانبه تمام نیروهای صلح و ترقی و طرفداران آزادی خلق ها، و خاصه اتحاد جماهیر شوروی، بر آنچنان دشمن قوی پنجه فایق آمد و آنرا از سرزمین خود راند - علیه اینچنین مردم قهرمانی است که اینک سردمداران مائوئیسم دست به فتنه و خرابکاری و تجاوز زده اند. پیروان ایرانی آنها نیز در مقیاس ایران مأمور خرابکاری و تفرقه افکنی هستند، و راهی که برای آنها باز است حمله ای ناجوانمردانه به حزب توده ایران است، منتها در لاف اصطلاحات و شعارهای چپ روانه و چپ نمایانه. بنابراین حمله این گروه ها و دستجات به حزب توده ایران نیز یک امر غیر منتظره نیست و حداقل سردمداران آنها خوب می دانند که در خدمت چه نیروها و چه سود چه نیروها عمل می کنند. بنابراین از این دو گروه چپ نما، که آشکارا دست در دست راست ترین جناحها دارند، بگذریم و آن ها را به حال خود بگذاریم.

آنچه به واقع باعث تاسف عمیق ماست، نحوه عمل گروه های چپگرا و آنهایی است که مارکسیسم - لنینیسم را راهنمای بقیه در صفحه ۶

کدام نیروها علیه حزب توده ایران در تکاپو هستند و این روش ها در آخرین تحلیل به سود کیست؟

آسیاب چه نیروها می ریزند. تروتسکیست ها از تروتسکی الهام می گیرند، کسی که حتی در سال ۱۹۳۷، هنگامی که فاشیزم دنیا را با جنگ جهانی تهدید می کرد و می بایست تمام نیروها علیه فاشیزم متمرکز شود، این یهودا با نوشتن رساله های از قبیل «اخلاق آن ها» و «اخلاق ما»، یک هدف را تعقیب می کرد: تفرقه افکنی از طریق ایراد اتهام به اتحاد شوروی، به عنوان این که: چرا باید شوروی با نیروهای دموکرات اروپا علیه فاشیزم متحد شود، و برانگیختن این نیروها علیه اتحاد شوروی، اتهام زدن به قیام انقلابی مردم اسپانیا و نظائر آن. او خوب می دانست چه می گوید و چه می کند و آب در آسیاب کدام نیروها می ریزد، همانطور که پیروان رنگارنگش امروز همان هدف تفرقه افکنی را به شیوه استاد خود در جو دیگری و محیط دیگری تعقیب می کنند.

مائوئیسم و ماهیت آن بذهن نسل جوان ما نزدیکتر است. جانشینان مائو اینک به طور کامل روشن و آشکار دست در دست امپریالیست ها و سیاه ترین نیروهای ارتجاعی جهان به پیش می تازند. کار و وظیفه آنها تفرقه افکنی بین نیروهای انقلابی در سراسر جهان است. آن ها علیه تمام نهضت های نجات بخش، در کنار نیروهای ضد انقلاب قرار می گیرند، با تمام قوا علیه صلح جهانی توطئه می کنند، روش های

حمله به حزب توده ایران، استفاده از تمام وسائل برای ایجاد یک جو ضد توده ای، تا آنجا که از طرف نیروهای راست و دشمنان واقعی خلق های ایران و انقلاب کبیر ایران انجام می یابد، موجب تعجب نیست. کینه و خشم آنها علیه حزب توده ایران تا زگی ندارد. از محمدرضا، رئیس درخیمان و سرسپرده امپریالیسم، که سلطنتش مخلوق بسا بود و حیانتش در گرو پشتیبانی ساواک - موداد - سیا، تا بقایای آن رژیم فاسد و یا عناصر ارتجاعی، که بر حسب ماهیت ذاتی خویش خواه و ناخواه در کنار بقایای این رژیم قرار می گیرند، همه با اتفاق هم و با یک صدا علیه صادق ترین و خدمتگزارترین حزب نسبت به سازمان های مردم محروم، فریاد و فغان بر می آورند.

از این گروه ها و عناصر شناخته شده بگذریم، که از سمت راست حزب ما رامورد حمله قرار می دهند. در کنار آنها دو گروه دیگر نیز زیر شعارهای «چپ» و با استفاده از اصطلاحات مارکسیستی، از سمت «چپ» بسوی حزب ما آتش گشوده اند.

گروه نخست چپ نماها هستند: مائوئیست ها، تروتسکیست ها، آنارشیست ها. اینها (قطع نظر از افراد با حسن نیت، ولی شسته شده ای که اینجا و آنجا بی نشان پیدا می شود) به طور عمده می دانند چه می کنند و آب در

حربه ضد انقلاب را در سوء استفاده از نارضائی بیکاران را خنثی کنیم

غارت گران فراری نیز تکمیل شود - نشانه ای است از روشی، که اگر قاطعانه انجام شود، هم پشتیبانی همه میهن پرستان را جلب خواهد کرد و هم سنگ بزرگ و عمدی را از سر راه رفع مشکل بیکاری بر خواهد داشت.

پس کاری جدی و قاطع در پیش روی است، که البته کار یکی دو روز نیست، چرا که ریشه کن کردن بیکاری به عوامل بسیار عمیق اقتصادی و اجتماعی وابستگی دارد، در نتیجه نمی توان ظرف مدتی کوتاه به حل کامل آن امید داشت. ولی آیا این واقعیت می تواند به معنای کوچک ترین تملی در امر توجه به رفع بیکاری و کمک به بیکاران باشد؟ نه! اولاً به خاطر زندگی خود این میلیون ها هم وطن زحمتکش ما؛ ثانیاً به خاطر سوء استفاده ای که عوامل ضد انقلاب و سرسپرده امپریالیسم و صهیونیسم و رژیم ساقط شده از آن می کنند این نکته دوم به هیچ وجه کم اهمیت نیست. کمیته مرکزی حزب توده ایران متها است حدت و فعلیت آنرا در اعلامیه خود خاطر نشان ساخته و «مردم» نیز بارها اهمیت آنرا برای حفظ دستاوردهای انقلاب یادآوری کرده است.

ضد انقلاب در لباس های گوناگون عمل می کند: از ترور و آدمکشی گرفته تا خرابکاری اقتصادی، از شایعه پراکنی و تفرقه افکنی گرفته تا برانگیختن نارضائی ها

آقای فروهر، وزیر کار، در آخرین مصاحبه خود خبر خوشی داد که عده بیکاران روبه کاهش است و حتی به کمتر از یک میلیون نفر رسیده. برای میلیون ها زحمتکشی که ماهها است با گرسنگی و فقر دست به گریبانند و کار روزانه تنها راه تأمین درآمد و غذا و پوشاک برای خانواده های آنها است، این خبر بسی مسرت بخش است. در چشمان آن یک میلیون نفر بیکار دیگر و چند میلیون نفر اعضای خانواده آنها هم اکنون نور امید می درخشد که شاید آنها هم هرچه زودتر به کار و نان برسند. البته در این جا، علاوه بر وام بیکاری و کمک که داده می شود و برخی طرح ها و کارخانه ها که به راه افتاده و کاری را تأمین کرده، ضرور است که دولت هرچه قاطع تر و در ضمن سریع تر برنامه جدی توسعه اقتصادی سالم و همه جانبه کشور را تدوین کند و به مورد اجرا گذارد، زیرا که جز از این راه نمی توان کار مطمئن و دائم برای کارگران کشور و برای جوانانی که مرتباً وارد بازار کار می شوند، تأمین کرد.

وعدای که آقای فروهر در زمینه ملی کردن موسسات مختلف و کوتاه کردن دست پهلوی ها و غارت گران وابسته به این سلسله تنگ و طاغوتیان معدوم داده - که امیدواریم با گذر این تدبیر صحیح در مورد سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و

صحنه ای از مراسم بزرگداشت خسرو روزبه



با انحصارهای خارجی و سرمایه داران وابسته نمی توان مماشات کرد

ملی کردن این سرمایه ها یک ضرورت انقلابی است

و خصوصی و یا از راه به دست آوردن امتیازات در رشته های مهم نظیر صنایع نفت و پتروشیمی تأمین می شود. سرمایه داران بزرگ داخلی، که از پشتیبانی همه جانبه رژیم ضد ملی و ضد خلقی و ضد دموکراتیک شاه مخلوع برخوردار بودند، سهم بزرگی در جلب سرمایه های خارجی و وابسته کردن اقتصاد ایران به انحصارها و دول امپریالیستی داشتند و منافع آنان پیوندی ناگسستی با منافع این انحصارها و کشورها داشت.

روشن است که بدون پایان دادن به این سلطه اقتصادی انحصارهای خارجی و عمال وابسته داخلی آنان، تأمین پیشرفت همه جانبه، مستقل و طبق برنامه اقتصاد ملی و مستقل و یا مختلط با سرمایه های دولتی

تأیید کمیته های امام و پاکسازی آنها، به سود انقلاب است

و ژاندارمری، که در شرایط عادی وظیفه حفظ نظم شهرها و روستاها را دارند، به علت تابعیت ضد خلقی شان، زیر ضربات درهم کوبنده انقلاب از هم پاشیدند، دولت با هزاران کلاف سردرگم دشواری ها، که ناشی از شرایط پس از انقلاب است، روبرو بود و اکنون نیز هست. در چنین برهه های از زمان، کمیته های امام، به عنوان بازوهای انقلاب، برای سرکوب ضدانقلاب و پاسداری از دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران وارد عمل شدند. هیچ عنصر انقلابی و میهن پرستی نمی تواند خدمات کمیته ها را در کمک به پیشبرد اهداف انقلاب انکار کند. این کمیته ها پاسداران امنیت کشور در برابر توطئه ها، خرابکاری ها و واژگون سازی های ضد انقلابی هستند. این کمیته ها چشمان تیزبین امام خمینی، رهبر انقلاب، در کشف و سرکوب فعالیت های شوم ضد انقلابی، این کمیته ها در شرایط کنونی در رفع مشکلات منطقه خود، یاری رساندن به مردم و رفع اجحاف و تعدی از مردم نقش موثری ایفا می کنند. اعضای صدیق

بقیه در صفحه ۷

با اقدامات قاطع انقلابی باید بی درنگ به

فعالیت ضد انقلابی عمال ساواک پایان داد!

رژیم اهریمنی پهلوی توانسته بود فرومایه ترین، تبهکارترین و منحطترین عناصر خود فروخته را به کار در سازمان جهانی ساواک بگمارد. در سراسر تاریخ جامعه میهن ما هیچ سازمانی را نمی توان سراغ کرد که در دهنش و در تهنش، در سفاکی و آدمکشی به پای ساواک برسد. تا اسناد و مدارک مربوط به جنایات مخوف ساواک در دسترس افکار عمومی قرار نگیرد، مردم ایران و خلق های جهان نمی توانند، چنان که باید و شاید، تصور کاملی در باره

عق ماهیت ابلسی درخیمان این سازمان به دست آورند.

انقلاب پیروزمند مردم ایران به رهبری امام خمینی، موجبات لازم برای ریشه کن ساختن سازمان ساواک را فراهم آورد. مردم انتظار داشتند که نخستین گام دولت جدید اقدام قاطع برای برچیدن کامل بساط این مظهر استکبری و زجر و شکنجه مبارزان انقلابی و قاطبه مردم ایران باشد. خود مردم در روزهای خونین انقلاب توانستند ضربات درهم شکنی بر پیکر تنگین ساواک وارد سازند و بطور کلی آنرا از میان بردارند. ولی طومار این سازمان آفریده استعمار و استبداد هنوز دردم

بقیه در صفحه ۷